

دنیا بهشت می‌شود

جستاری در بیانات رهبر معظم انقلاب پیرامون مفهوم عدالت



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



مقدمه

مفهوم عدل در لغت در مقابل ظلم و جور آمده و به معنای قراردان هر چیز در جای خود و یا انجام دادن هر کاری به نحو شایسته است. چنانکه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «العدل یضع الامور مواضعها»^۱ عدل است که هر امری را در جایگاه خودش قرار می‌دهد. از این رو عادل بودن خداوند به این معنا است که در آفرینش طبیعت هر شیئی تحت نظمی ویژه خلق شده‌اند «بالعدل قامت السموات و الارض»^۲ و در میان قوانین حاکم بر جهان نیز تناقض و تفاوتی دیده نمی‌شود، تا آنجا که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: خداوند از ستم بر بندگان خود منزّه است و درباره آفریدگان خود به عدل رفتار می‌کند و در مورد آنان به عدل حکم می‌کند.^۳

در میان آیات و روایات صریحا فضای اسلام، فضای همراه با عدالت ترسیم می‌شود و مردم به برقراری و اجرای عدالت دعوت شده و از خیانت و ظلم باز داشته می‌شوند. هم چنین بستر مناسب برای جاری شدن عدالت در یک اجتماع، پایه گذاری حکومت اسلامی معرفی می‌گردد و از این رو است که حضرت امام خمینی (ره) اشاره می‌کند که با برقراری عدالت گسترده در یک جامعه‌ی اسلامی، دنیا بهشت می‌شود.^۴

از جمله اهدافی که گروه‌های جهادی در اجرای اردوهای خدمت رسانی خود در مناطق محروم دنبال می‌کنند، برداشتن گام‌هایی در راه تحقق عدالت اسلامی است. بی شک طی این مسیر بدون توجه و دسترسی به علم و آگاهی در ارتباط با مفهوم این واژه که از مبانی اجتماعات اسلامی است، میسر نخواهد بود. هسته توانمندسازی حرکت‌های

^۱ نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷، ۲

^۲ قرآن آیه ۷ الرحمن، ۳

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵.

^۴ جلد ۹ - صفحه ۱۳۵

جهادی به عنوان مجموعه پشتیبان حرکت‌های جهادی برآن شده است با گردآوری مطالعات و دیدگاه‌های متفکران اسلامی به لحاظ نظری اقدام به تقویت بنیان محتوایی گروه‌های جهادی در ارتباط با تبیین عدالت اسلامی نماید و در این راستای بسته "دنیای بهشت می‌شود" شامل مجموعه جزواتی که هریک از نگاه یکی از این متفکران می‌باشد را ارائه می‌نماید. امید است که این بسته در تنظیم گرای جهادگرانی که با سرمشق قرار دادن این بیان از مقام معظم رهبری که می‌فرمایند "همه‌ی تلاشها و مجاهدتها برای این است که در جامعه عدالت تامین شود؛ که اگر عدالت تامین شد، حقوق انسان و کرامت بشری هم تامین می‌شود و انسانها به حقوق و آزادی خود هم می‌رسند"^۱ مفید و موثر واقع شود.

^۱ بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه ۲۳ آبان ۱۳۸۲

جنبش عدالتخواهی

هر جا قیام است بر ضد بی عدالتی است

تشکیل جامعه‌ی اسلامی شد هدف؛ با همین خصوصیات، با همین شاخص‌هایی که گفته شد. این هدف هرگز کهنه‌شونده نیست. مطالبه‌ی عدالت هرگز منسوخ نمیشود. از اول تاریخ بشر تا امروز، انسانها به دنبال عدالت بوده‌اند. هر جا قیامی از طرف مردم هست، غالباً بر ضد بی‌عدالتی است، بر ضد تبعیض است.^۱

سرلوحه دغدغه‌های نظام

در انقلاب اسلامی ما - که یک حرکت دینی بود - به طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد. در شعارهای مردمی، در قانون اساسی، در بیانات امام راحل (رضوان الله علیه)، در گفتمان‌های موضعی و در زمان‌های مختلف و به مناسبت‌های مختلف که جمهوری اسلامی مطرح کرده، این جایگاه ممتاز دیده می‌شود. فرض کنید در دوران دفاع مقدس که هی می‌آمدند فشار می‌آوردند و شعار صلح را مطرح می‌کردند برای اینکه جمهوری اسلامی را از میدان خارج کنند، آنجا جمهوری اسلامی شعار «صلح عادلانه» را مطرح کرد. خوب، صلح یک ارزش مطلق نیست، یک ارزش نسبی است؛ یک جایی صلح خوب است، یک جایی صلح بد است، جنگ خوب است. اما عدالت اینجور نیست؛ عدالت یک ارزش مطلق است؛ یعنی هیچ جا نداریم که عدالت بد باشد. خوب، در جمهوری اسلامی این وضعیت وجود داشته، سرلوحه‌ی دغدغه‌های نظام از اول انقلاب بوده؛ در بخش اجرای عدالت، انصافاً کارهای زیادی هم انجام گرفته؛ لیکن راضی‌کننده نیست. بعضی از دوستان در توصیف آنچه که انجام گرفته، اطلاعات و آمارهای خوبی دادند؛ در زمینه‌ی کارهایی که انجام گرفته، شاید اطلاعات من بیشتر

^۱ بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

باشد؛ میدانم کارهای وسیعی از اول انقلاب انجام گرفته؛ لیکن مطلقاً راضی کننده نیست. آن چیزی که ما نیاز داریم، آن چیزی که ما دنبال هستیم، عدالت حداکثری است؛ نه صرفاً در یک حد قابل قبول؛ نه، ما دنبال عدالت حداکثری هستیم؛ ما میخواهیم ظلم در جامعه نباشد. تا این مرحله خیلی فاصله داریم. بنابراین برای این باید تلاش کرد.^۱

اصلی ترین نقطه

اولین و اصلی ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنجدیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکائی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی اینها میسازد. این اسلام را امام نامگذاری کرد: اسلام آمریکائی.^۲

پرچم عدالت خواهی

پرچم عدالت خواهی را همواره پیامبران الهی و پیروان راستین آنان بر دوش کشیده‌اند. امروز و همیشه مجاهدت در زیر این پرچم، صادقانه‌ترین نشانه‌ی پیروی از رسولان الهی است. آنچه در کنار همه‌ی الزامات این حرکت، ضروری و حیاتی است آن است

^۱ بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۲۷/۰۲/۱۳۹۰

^۲ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۸۹

که اولاً مراقبت شود کسانی با انگیزه‌های دیگر، این شعار حق را ابزار نکنند؛ و ثانیاً به نام عدالت‌طلبی، حرکتی غیر منصفانه از سر جهل یا غفلت انجام نگیرد. صبر و بصیرت را برای شما و دیگر تشکل‌های عزیز دانشجویی از خداوند متعال مسألت می‌کنم.^۱

بسیجی عدالت طلب

بسیجی عدالت‌طلب است. عدالت‌طلبی فقط این نیست که انسان شعار عدالت‌طلبی بدهد؛ نه، باید این را واقعاً بخواهد. عدالت‌طلبی به این نیست که انسان رودروری کسی بایستد و بگوید تو عدالت‌طلب نیستی؛ نه، این، ساز و کار دارد. باید جامعه به نقطه‌یی برسد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه در آن طراحی شود و دستگاه اجرایی طوری باشد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه فرصت عملیاتی شدن و اجرایی شدن پیدا کند؛ والا خیلی سیاست‌های عدالت‌طلبانه هم مطرح می‌شود؛ اما سازوکار، آدم‌ها، مهره‌ها، قلم‌به‌دست‌ها و امضاءکننده‌ها یا علاقه‌ندانند، یا اعتقاد ندارند، یا همت ندارند، یا حال و حوصله ندارند، یا از همان قبیل «برو بابا دلت خوشه» است؛ لذا کارها متوقف و لنگ می‌ماند؛ بنابراین آن‌جاها را باید اصلاح کرد.^۲

مسابقه خدمت‌رسانی

همیشه نگاه این کشور و این ملت به عدالت و رفتار عادلانه‌ی علوی است و باید باشد؛ این را ما نباید فراموش کنیم. همیشه این ملت نیاز دارد به مسابقه‌ی خدمت‌رسانی میان مسؤولان؛ همیشه این ملت نیاز دارد به این که مسؤولان او پاسخگوی مسؤلیت‌های بزرگ خودشان در مقابل ملت باشند و روح پرسشگری در مردم وجود داشته باشد و

^۱ پیام به پانزدهمین نشست سراسری تشکل‌های مرتبط با جنبش عدالت‌خواه دانشجویی ۲۲/۰۵/۱۳۸۷

^۲ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۰۵/۰۳/۱۳۸۴

همیشه زنده بماند. اینها شعارهای گذرا نیست؛ ابعاد و جوانب گوناگون وظایف ما مسؤولان و همچنین مطالبات ملت را برای ما روشن می‌کند.^۱

مجاهدت پربرت

یکی از دشوارترین میدانهای مجاهدت، میدان مجاهدت برای بسط عدالت است. هر کس که با نوعی تخلف - چه تخلفهای محسوس و چه تخلفهای نامحسوس - دستی در بیرون از مرز قانونی مجاز برای خود دارد، با این مبارزه مخالفت و معارضه می‌کند. این که ما گفتیم برای عدالت‌طلبی باید مبارزه کرد؛ برای مبارزه‌ی با فساد باید همه دست به دست هم بدهند و فساد اقتصادی - بخصوص در بین مسؤولان و کسانی که دستی در امور بیت‌المال دارند - باید جدی گرفته شود، به‌خاطر همین است که این کار جزو مشکل‌ترینها و درعین‌حال اگر به نتیجه برسد، جزو پربرت‌ترینهاست.^۲

ناکامی‌های امروز نتیجه کم‌اعتنایی به عدالت

وقتی که انسان این پیام عدالت‌خواهی را به ذهن مردم القا و به آنها تفهیم می‌کند و عدالت‌خواهی را در آنها زنده نگه می‌دارد و صحیح و منطقی با مردم حرف می‌زند، طبیعی است که آنها مثلاً از کمتر بودن عدالتی که به آن رسیده‌اند، ناراضی نمی‌شوند و بالاخره احساس می‌کنند که آن نقطه‌ی بالایی است؛ کمالین که امیرالمؤمنین به اصحاب خود هم فرمود: «الا و انکم لاتقدرون علی ذلک». این را همه می‌دانند که توان و بنیه‌ی روحی و معنوی و حتی جسمانی انسانهایی پایین‌تر از امیرالمؤمنین، آن قدر نیست که به آن قله برسند؛ اما حرکت به سمت قله را بایستی زنده نگه داشت. بنابراین عدالت و عدالت‌خواهی و تزیین عدالت، از چیزهایی است که نباید آن را فراموش کرد.

^۱ بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۴/۰۱/۰۱

^۲ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۲/۰۶/۱۹

شما نهج البلاغه را که نگاه می‌کنید، می‌بینید در سر تا پای نهج البلاغه عدالت وجود دارد. اعتقاد جدی بنده این است که بسیاری از ناکامیهای امروز ما در عرصه‌ی رسیدن به هدفهای انقلاب و اداره‌ی مطلوب کشور، به‌خاطر کم‌اعتنایی به عدالت است. هرکدام از ما نسبت به خودمان اغماض می‌کنیم. اسم عدالت را می‌آوریم و به آن تحریض هم می‌کنیم؛ اما در مقام عمل نسبت به خودمان اغماض می‌نماییم. حالا قدری اغماض نسبت به خود، بر اثر نقص‌ها، کوچک بودن و کوتاهیهای طبیعی ما قابل قبول است؛ اما ما نسبت به خودمان زیاد اغماض می‌کنیم. خیلی از امکانات و برخورداریه‌ها را برای خود روا می‌داریم که برای دیگران روا نمی‌داریم. ما این فرهنگ حاکم بر ذهن خودمان را باید عوض کنیم و مردم هم همین‌طور. این‌طور نباشد که مردم در مسابقه‌ی زندگی احساس کنند که هیچ مرز و مانعی به نام عدالت، جلو آنها را نمی‌گیرد و آنها تا هر جا که بتوانند بروند، مانعی ندارند. لذا شما می‌بینید یک نفر ثروت نامشروع و حرامی را از یک راه غیرعادلانه به دست آورده - مثلاً در ظرف ده سال چندین میلیارد تومان گیرش آمده - که اگر توزیع کنیم، می‌بینیم گاهی درآمد بنده و شما در طول مدت خدمت‌مان هم به قدر ثروت یک روز یا یک هفته یا یک ماه او نمی‌شود، بعد هم طلبکار است! طلبکار است که من به مملکت خدمت کردم و این‌قدر تولید ایجاد نمودم. در ذهن او اصل عدالت اصلاً نقشی ندارد و اهمیتی به مسأله‌ی عدالت نمی‌دهد که این‌جا عدالتی پایمال شده، بی‌عدالتی به وجود آمده و تخلف از قانون شده و این درآمد و دستاورد ناشی از آن است. ما باید این فرهنگ را در ذهن خود و در ذهن جامعه منتشر کنیم. این یکی از آن پیامهاست^۱.

^۱ بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

عدالت اجتماعی

خصوصیت جامعه اسلامی

ایران یکپارچه با اقوام مختلف و متعدد، دارای یک هدفند؛ دارای یک مسیرند. بله، ممکن است زبانها مختلف باشد، مذاهب مختلف باشد اما اهداف عالی این ملت یکسان است؛ همه میخواهند ایران عزیز را به‌عنوان الگوی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کنند. الگوی کشور اسلامی هم به معنای این نیست که در این کشور همه‌ی مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و توسلاتند؛ نه، اینها هست، اینها معنویت است اما در کنار این معنویت، پیشرفت مادی هست، رشد علمی هست، توسعه‌ی عدالت هست، کم شدن فاصله‌های طبقاتی هست، برداشته شدن نمونه‌ها و قلّه‌های اشرافی‌گری هست؛ خصوصیت جامعه‌ی اسلامی اینها است.^۱

عدالت مطلوب

از لحاظ عدالت اجتماعی هم امروز با گذشته، زمین تا آسمان فرق کرده است؛ البته تا آن عدالت اسلامی خیلی فاصله داریم، تا عدالت مطلوب خیلی فاصله داریم. امروز متأسفانه همچنان نشانه‌های اشرافی‌گری و تجملات و بعضی از انحرافات گوناگون در جامعه‌ی ما کم نیست اما وقتی نسبت به قبل از انقلاب ملاحظه بکنیم -حالا شما جوانها که قبل از انقلاب را ندیدید؛ ما و آنهايي که دیدیم قبل از انقلاب را- پیشرفت ملت ایران و کشور اسلامی نسبت به آن وقت، پیشرفت بسیار برجسته‌ای است.^۲

^۱ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۰۵/۱۱

^۲ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۰۵/۱۱

بیست سال بعد

آیا بیست سال بعد ما ایرانی با این خصوصیاتِی که عرض میکنم می‌خواهیم؟ ایران مقتدر؛ بیست سال بعد ایرانی مقتدر [می‌خواهیم]؛ مقتدر، یعنی از تهدید دشمنان ریز و درشت احساس هراس نکنند، احساس وا همه نکنند، به اقتدار خودش متکی باشد؛ ایرانی مقتدر. ایرانی مستقل؛ گاهی یک کشوری احساس هراس هم نمی‌کند از ناحیه‌ی دشمنان بیرونی اما به اتکاء یک قدرتی؛ مثل کودکی که به اتکاء پدرش احساس امنیت و قدرت میکند. آیا می‌خواهیم این جوری باشیم؟ یا نه، می‌خواهیم ایرانی باشد که اقتدارش به اتکاء خودش باشد، مستقل باشد، استقلال داشته باشد؟ ایرانی متدین؛ ایرانی ثروتمند؛ ایرانی برخوردار از عدالت، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدالت قضائی؛ ایرانی با یک حکومت مردمی؛ ایرانی با حکومتی پاک، جهادگر، دلسوز و پرهیزکار؛ این جور ایرانی می‌خواهیم؛ که این البته یک چیز مطلوبی است^۱.

حاکمیت دین خدا

امام بزرگوار ما مسیر را عوض کرد و یک تغییر بزرگ انجام گرفت؛ [امام] مسیر ملت ایران را تغییر داد، ریل را عوض کرد؛ ما را به سمت هدفهای بزرگ حرکت داد. این هدفها که انقلاب و امام انقلاب، ما را به سمت این هدفها حرکت دادند و جامعه‌ی ایرانی را به این سمت رهنمون شدند، فوق العاده حائز اهمیت است. این هدفها خلاصه میشود در حاکمیت دین خدا. حاکمیت دین خدا به معنی عدالت اجتماعی به معنای واقعی است، به معنای ریشه‌کنی فقر است، به معنای ریشه‌کنی جهل است، به معنای ریشه‌کنی استضعاف است؛ حاکمیت دین خدا به معنای برقراری منظومه‌ی ارزشهای اسلامی است^۲.

^۱ بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۵/۰۳/۲۹

^۲ بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمانها پابند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، اینها همه مطالبات اسلامی است، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نشناخته است؛ هرکسی حوزه‌ی معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را نشناخته است.^۱

عدالت در صدر اهداف انقلاب

هدفهای انقلاب چیست؟ در درجه‌ی اول حاکمیت اسلام است؛ اصلاً انقلاب برای این به وجود آمد؛ برای اینکه اسلام حکومت کند؛ حاکمیت داشته باشد با معنای خاص خودش. اهداف انقلاب [عبارتند از]: حاکمیت دین خدا، آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، ریشه‌کنی فقر و جهل، مقاومت در برابر سیل بنیان‌کن فساد اخلاقی‌ای که از غرب به همه‌ی دنیا سرازیر شده که شما امروز دارید خصوصیاتش را می‌بینید...^۲

حرکت به سمت عدالت

ما همیشه می‌گوییم، بارها گفتیم که ما نتوانستیم خواسته‌های اسلام را به‌طور کامل تحقق ببخشیم، این قطعی است؛ اما ما راه زیادی در این زمینه طی کردیم. ما نتوانستیم عدالت اجتماعی را به‌طور کامل در این کشور به‌وجود بیاوریم اما خیلی از راه را جلو آمدیم. نباید اینها ندیده گرفته بشود. یک‌روزی همه‌ی ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی [می‌شد] و احياناً سرریز آن به چند شهر بزرگ میرسید؛ امروز اقصی

^۱ بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

^۲ بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۵/۰۳/۰۶

نقاط کشور برخوردار از خیرات این کشورند. این حرکت عظیم، حرکت به سمت عدالت اجتماعی، حرکت به سمت اخلاق اسلامی [وجود دارد].^۱

شاخص عدالت

اقتصاد مقاومتی، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخصهای جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده میکنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخصهای علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخصها هم توجه میشود، اما بر محور «عدالت» هم کار میشود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.^۲

ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به‌هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخصهایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی‌شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به‌هیچ‌وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمیدانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخصهای ما، شاخص عدالت

^۱ بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

^۲ بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱۰/۰۱

اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند.^۱

پیشرفت بادکنکی

یک شاخص دیگر برای پیشرفت، عدالت است. اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام پیشرفت نیست. امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله‌ی طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفتِ سطحی و ظاهری و بادکنکی است. وقتی که در یک کشوری، جمعیت معدودی بیشترین بهره‌ی مادی را از آن کشور میبرند و در همان کشور، در خیابانها مردم از سرما و گرما میمیرند، عدالت اینقدر نامفهوم و غیر عملی در آن کشور است. در خبرهای جهانی میخوانیم که در فصل تابستان در شهرهای ایالت‌های مختلف آمریکا، افرادی از گرما میمیرند! خب، چرا کسی از گرما بمیرد؟ این غیر از این است که سرپناه ندارند، خانه ندارند، جا ندارند؟ آمریکا همان کشوری است که ثروتمندترین آدمهای دنیا و گردن کلفت‌ترین شرکتها و کارتلها و تراستهای دنیا در آن کشور هستند؛ بیشترین سود تجارتهای سلاح در آن کشور است؛ اما در کشوری که آن ثروتهای افسانه‌ای وجود دارد، عده‌ای در تابستان از گرما، و در زمستان از سرما جان میدهند و میمیرند! این معنایش عدم وجود عدالت است. حالا در فیلمهای سینمایی و ادعاهای افسانه‌ای و داستانی، شکل‌هایی از عدالت را نمایش بدهند؛ خب، این با واقعیت فاصله‌اش بسیار زیاد است. در کشورهایی که با شیوه‌ی اقتصادی سرمایه‌داری اداره میشوند و نام لیبرالیسم

^۱ بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

- آزادگرایی - را روی خودشان گذاشته‌اند، یک چنین بدبختی‌هایی وجود دارد؛ در آنجا واقعیت زندگی این است.

ما اگر بخواهیم پیشرفت کنیم، در درجه‌ی اول، یکی از شاخصهای مهم، عدالت است. ادعای بنده این است که ما در این زمینه پیشرفت کرده‌ایم؛ البته نه به قدری که می‌خواهیم. اگر خودمان را با وضع قبل از انقلاب مقایسه کنیم، پیشرفت کرده‌ایم؛ اگر خودمان را با بسیاری از کشورهای دیگر که با نظامهای گوناگون زندگی میکنند، مقایسه کنیم، بله پیشرفت کرده‌ایم؛ اما اگر خودمان را مقایسه کنیم با آنچه که اسلام به ما گفته است و از ما خواسته است، نه، ما هنوز خیلی فاصله داریم و باید تلاش کنیم. این تلاش به عهده‌ی کیست؟ این تلاش به عهده‌ی مسئولان و مردم - با هم - است. بله، ما از لحاظ توزیع منابع عمومی به همه‌ی مناطق کشور، پیشرفت کرده‌ایم. یک روزی بود که بیشترین منابع این کشور در مناطق مخصوصی که تعلق خاصی داشت به قدرتمندان آن روز و به دربار آن روز، صرف میشد؛ بسیاری از استانها و شهرها هم از منابع عمومی کشور هیچ حظ و بهره‌ای نداشتند. قبل از انقلاب، یکی از استانهای بزرگ این کشور - که البته نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ قبلاً یک وقتی گفتم - پنج فرودگاه اختصاصی در پنج نقطه‌ی استان داشت، که متعلق بود به وابستگان به دربار شاه؛ اما یک فرودگاه عمومی در آن استان وجود نداشت! یعنی مردم برای استفاده‌ی از فرودگاه و هواپیما و رفت‌وآمد هوایی، هیچ امکانی نداشتند؛ در حالی که در همان استان، پنج فرودگاه برای اشخاص خاص وجود داشت؛ این بی‌عدالتی بود. امروز وقتی نگاه میکنیم، می‌بینیم از لحاظ خدمات، از لحاظ جاده‌سازی، از لحاظ ساختن بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها و جاده‌های راحت، سرتاسر کشور برخوردارند. از لحاظ گسترش تحصیل علم، در سرتاسر کشور این امتیاز و این امکان وجود دارد. همان طور که اشاره کردم، مناطق متعددی از کشور در آن روز، حتی شهرها، از لحاظ دبیرستان در مضیقه بودند. بنده در استان سیستان و بلوچستان تبعید بودم؛ اوضاع را آنجا میدیدم. از لحاظ دبیرستان، بسیاری از

شهرهای آن استان در مضیقه بودند. یک مرکز نیم‌بندِ ضعیفِ درجه‌ی سوم چهارم دانشگاهی در کل آن استان وجود داشت. امروز شما وقتی در آن استان و بقیه‌ی استانها نگاه کنید، می‌بینید در همه‌ی شهرها دانشگاه وجود دارد؛ یعنی امکان تحصیل. خوب، این عدالت است. این معنایش این است که امکان تحصیل علم توزیع شده است بین مناطق گوناگون کشور؛ امکانات مادی کشور، منابع مالی، علم توزیع شده است؛ این بسیار چیز خوبی است. در گذشته، نخبگان شهرهای دوردست و کسانی که دارای استعداد بودند، امکان بروز و ظهور نداشتند؛ امروز چرا، امکان بروز و ظهور دارند. در سفراین و هر نقطه‌ی دیگری، وقتی انسان بااستعدادی حضور داشته باشد و بتواند نخبگی خودش را نشان دهد، دستگاه‌های گوناگون کشور از او استقبال میکنند، او را گرامی میدارند و از امکان او استفاده میکنند. در گذشته اینجور نبود. بنابراین نسبت به گذشته، مطمئناً این شاخص پیشرفت - که شاخص عدالت است - برجسته است؛ اما نسبت به آنچه که ما از اسلام فهمیدیم و شناختیم، نه، ما هنوز عقیبیم؛ باید تلاش کنیم و کار کنیم.^۱

بایستی جبران کنیم

در عدالت اجتماعی هنوز به نقطه‌ی مورد نظر اسلام - که آرزوی خود ما بوده است - نرسیده‌ایم؛ این هم از نقطه‌ضعفهای ماست. این ضعفها را بایستی جبران کنیم. اینها ضعفهایی است که نمیشود از آنها گذشت. هم مسئولین، هم آحاد مردم باید احساس کنند وظیفه دارند این ضعفها را برطرف کنند. ان‌شاءالله باید از خدای متعال کمک بخواهیم و این ضعفها را برطرف کنیم. و البته میشود برطرف کرد؛ اینها بدون تردید برطرف کردنی است.^۲

^۱ بیانات در اجتماع مردم اسفراین ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

^۲ خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

تقسیم فرصت‌ها

«و البسنى زينه المتقين» در این چیزها: اول، «فی بسط العدل»؛ گستردن عدالت. عدالت را در میان جامعه مستقر کنیم؛ عدالت قضائی، عدالت به معنای تقسیم منابع حیاتی کشور میان آحاد مردم، عدالت به معنای تقسیم درست فرصتها میان مردم. تقوائی که از ما انتظار می‌رود، جزو پایه‌ها و مبانی این تقواست^۱.

اعتقاد به مبدأ و معاد

در مسئله‌ی عدالت، اعتقاد به مبدأ و معاد، یک نقش اساسی دارد؛ ما از این نباید غفلت کنیم. نمیتوان توقع داشت که در جامعه عدالت به معنای حقیقی کلمه استقرار پیدا کند، در حالی که اعتقاد به مبدأ و معاد نباشد. هر جا اعتقاد به مبدأ و معاد نبود، عدالت یک چیز سربار، تحمیلی و اجباری بیش نخواهد بود. علت این هم که بعضی از طرحهای قشنگ غربی در باب عدالت مطلقاً در عمل تحقق پیدا نمی‌کند، همین است؛ پشتوانه‌ی اعتقادی ندارد. حرف قشنگ است - حالا لااقل ظاهر قشنگی دارد، ولو خیلی برهانی نباشد - لیکن در عمل، در جوامع غربی، در زندگی غربی مطلقاً از آن خبری نیست؛ اصلاً انسان تحقق آنها را مشاهده نمی‌کند؛ بی‌عدالتی مطلق در آنجا وجود دارد. علت همین است که پشتوانه‌ی اعتقاد به مبدأ و معاد در آن نیست. اعتقاد به معاد، اعتقاد به تجسم اعمال، اعتقاد به تجسم ملکات در قیامت، خیلی تأثیر دارد. ما عادل باشیم، عدل‌خواه باشیم، عدل را ستایش کنیم، برای عدل تلاش کنیم؛ اینها در قیامت تجسم پیدا خواهد کرد. نقطه‌ی مقابلش هم همین است. این اعتقاد، به انسان نشاط میدهد، نیرو میدهد. انسان بداند که رفتار ظالمانه، حتی اندیشه‌ی ظالمانه، در عرصه‌ی تجسم اعمال در قیامت، چه بلایی به روز او می‌آورد، طبعاً به عدالت نزدیک میشود.

^۱ بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۶/۰۵/۱۳۹۰

ای دریده پوستین یوسفان

گرگ برخیزی از این خواب گران

کسی به این اعتقاد داشته باشد که گرگ‌صفتی در اینجا، تجسمش در آنجا، گرگ برخاستن از خواب گران مرگ است، این خیلی تأثیر می‌گذارد. بنابراین در پژوهش‌های مربوط به عدالت، از این نکته نایستی غفلت کرد.

[نکته‌ی دوم و پایانی که بد نیست من در اینجا عرض بکنم]، عدالتی است در رابطه‌ی با خود، که ربطی به عدالت اجتماعی ندارد. در قرآن، ظلم به نفس در آیات متعددی تکرار شده. خب، ظلم، نقطه‌ی مقابلش عدل است. در دعای کمیل می‌خوانیم: «ظلمت نفسی». در مناجات شریف شعبانیه عرض می‌کنیم: «قد جرت علی نفسی فی النظر لها فلها الویل ان لم تغفر لها». گناهان، لغزشها، رفتن به دنبال شهوات، رفتن به دنبال اهواء، دور شدن از توجه و تذکر و خشوع در مقابل پروردگار، ظلم به خود است. این هم یک عرصه‌ی مهمی است. ما وقتی که در باب عدالت بحث می‌کنیم - عدالت در روابط اجتماعی، عدالت در تشکیل نظام اجتماعی - نمیتوانیم از عدالت نسبت به خودمان غفلت کنیم. به خودمان هم باید ظلم نکنیم. به خودمان هم بایستی عدل بورزیم. نقطه‌ی مقابل این «قد جرت علی نفسی»، همان عدل است. جور نکنیم، عدل داشته باشیم.^۱

از همه کارها سخت‌تر

امام از اول اعلام عدالت کردند. خب، عدالت اجتماعی از همه‌ی این کارها سخت‌تر است؛ من به شما عرض بکنم. از حفظ مردم‌سالاری و بقیه‌ی کارهایی که در جمهوری اسلامی شده است، استقرار عدالت اجتماعی کار سخت‌تری است؛ بسیار کار دشواری

^۱ بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۲۷/۰۲/۱۳۹۰

است. نمی‌گوییم هم که ما تا امروز توانستیم به طور کامل عدالت اجتماعی را مستقر کنیم؛ نه، هنوز خیلی فاصله داریم. آن عدالتی که اسلام از ما خواسته است، با آنچه که امروز در جامعه‌ی ماست، فاصله‌ی زیادی دارد؛ اما حرکت به سمت عدالت اجتماعی متوقف نشد و ادامه پیدا کرد و روزه‌روز شدیدتر شده است. امروز حرکت به سمت عدالت اجتماعی از سالهای قبل هم بیشتر است، از دوره‌های قبل هم بیشتر است. یکی از نمونه‌های مهم عدالت اجتماعی، تقسیم و توزیع متناسب فرصتهای کشور است. در نظامهای غافل از حقیقت عدالت اجتماعی، بر روی طبقه‌ی خاصی تکیه میشود، بر روی مناطق خاصی از کشور تکیه میشود؛ اما در جمهوری اسلامی هر چه پیش می‌آییم - تا امروز که سی و دو سال گذشته - این معنا را قوی‌تر می‌بینیم. روستاها در حوزه‌ی مراقبت قرار میگیرند، شهرهای دوردست در حوزه‌ی مراقبت قرار میگیرند. این همه مسکن‌سازی در روستاها، این همه جاده‌سازی به سمت شهرهای دور کشور و روستاها، راه‌های ارتباطی، ارتباطات گوناگون، نیروی برق، آب مناسب، تلفن، امکانات زندگی، اینها در سرتاسر کشور توزیع شده است.^۱

سرپنجه عدالت

عدالت به معنای یکسان بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصتهاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصتهای حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه‌ی عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند.^۲

^۱ خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی ۱۵/۱۱/۱۳۸۹

^۲ بیانات در دیدار مردم شاهرود ۲۰/۰۸/۱۳۸۵

با پشتیبانی مردم

بعضی سوءاستفاده کنندگان و مفسدان اقتصادی برایشان بیت‌المال و غیر بیت‌المال فرقی نمی‌کند؛ هر جا بتوانند دست می‌اندازند؛ حق هر کس ضایع شد، شد. اینها را که بعضی می‌بینند، می‌گویند: مگر می‌شود در کشور عدالت اجتماعی را مستقر کرد؟! من عرض می‌کنم: بله؛ همه‌ی آرمانهای این ملت و انقلاب - از جمله عدالت اجتماعی - را می‌شود با پشتیبانی این مردم مؤمن و غیور - که مثل کوه ایستاده‌اند - به نتیجه رساند^۱.

مفاهیم واقعی زندگی

نگذاریم دل ما از مردم غافل شود؛ بخصوص شما مسؤولانی که مردم با شعار «خدمت به مردم»، «مبارزه‌ی با فساد»، «عدالت اجتماعی» - چه در مجلس، چه در دولت - شما را انتخاب کرده‌اند. یک لحظه باید از خدمت به مردم غافل نشویم. به برکت گفتمان عدالت و خدمت و مبارزه‌ی با مفاسد، امروز این مجلس و این دولت شکل گرفته. علاقه‌ی مردم به این مفاهیم بوده؛ نمی‌شود این مفاهیم را مجرد و انتزاعی بدانیم؛ اینها مفاهیم واقعی است؛ در میدان زندگی است^۲.

یک قدم بزرگ

وظیفه‌ی سنگین در باب خدمت‌رسانی است؛ که این وظیفه عمدتاً متوجه به مسؤولان دولتی است. خدمت‌رسانی به مردم کار اصلی ماست و بیشترین کسانی که خدمت باید متوجه آنها شود، طبقه‌ی محروم و مظلوم و مستضعف جامعه‌اند که محتاج خدمتند. ما باید این خدمت را به آنها برسانیم و خدمت‌رسانی را تسهیل کنیم. این، خود یک قدم

^۱ بیانات در دیدار مردم دامغان ۱۳۸۵/۰۸/۱۹

^۲ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۰۸/۰۸

بزرگ در راه ایجاد عدالت اجتماعی است. امروز دیگر کوتاهی‌ها و تکاسل‌ها و وقت مفید اداری را به یک ساعت یا کمتر یا اندکی بیشتر رساندن، قابل تحمل نیست؛ اینها باید درست شود. البته مجاهدت و تلاش لازم است. همه باید ان شاءالله کمک کنند تا مسؤولان بتوانند وظایف خود را انجام دهند^۱.

خورشید درخشان

ملت‌های مسلمان تا قبل از آن که انقلاب اسلامی به صحنه بیاید، می‌پنداشتند نام عدالت در اردوگاه چپ و سوسیالیستی است، و رفاه و پیشرفت مادی در اردوگاه راست - یعنی نظام سرمایه‌داری - قرار دارد. اسلام به صحنه آمد؛ وعده‌ی زندگی همراه با رفاه مادی و عدالت اجتماعی را به مردم داد و آنها مجذوب این شعار و این حرکت عظیم شدند؛ لذا در تمام دنیای اسلام، نام انقلاب اسلامی و نام امام این انقلاب برای مردم به صورت یک خورشید درخشان و یک نقطه‌ی پرجاذبه درآمد.

همه‌ی ما پیشرفت‌های این کشور را در زمینه‌ی علم، فناوری، تحقیقات و توسعه‌ی اقتصادی می‌دانیم و می‌بینیم. این پیشرفت‌ها برای این ملت طبیعی است. اگر این ملت پیشرفت نکند، غیر طبیعی است. آنچه باید روی آن تکیه و برای آن تلاش کرد، این است که این حرکت‌ها و این پیشرفت‌ها در سایه‌ی عدالت اجتماعی انجام بگیرد تا جوانان و همه‌ی مردم بخش‌های گوناگون ایران بتوانند از امکانات این کشور استفاده کنند^۲.

^۱ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۴/۰۶/۱۷

^۲ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

بایستی مردم را نجات داد

آنچه امروز برای این کشور مهم است، این است که دستاوردهای مهم دوران بعد از پیروزی در جنگ تحمیلی تا امروز، بتواند به صورت محصول شیرینی، کام مردم را شیرین کند. با تلاشی که تا امروز انجام گرفته است، ملت ایران و مسؤولان کشور باید بتوانند آینده را همراه با برخورداری مردم از عدالت اجتماعی و رفاه و ادامه‌ی پیشرفت در راه‌های گوناگون، بسازند. زیربناهای کشور خوب ساخته شده است؛ اما آنچه به وجود آمده، باید زندگی مردم را از فقر و محرومیت نجات دهد. از آنچه انجام گرفته است، ملت باید بتواند بهره‌برداری کند. بی‌انصافی است اگر کسی تلاش‌های گذشته‌ی دولت‌های گوناگون و سال‌های متمادی بعد از جنگ را ندیده بگیرد. کار متراکمی صورت گرفته است؛ لیکن برای این که این کارها زندگی عامه‌ی مردم و همه‌ی مناطق کشور را از منافع و برکات خود بهره‌مند کند، یک سلسله کار دیگر هم لازم است. وضعیت خطیر و مهم ما به این مناسبت است.^۱

عدالت اجتماعی این نیست

البته معنای عدالت اجتماعی این نیست که ما از پیشرفت‌های بخش پیشرفته کم کنیم؛ نه، باید کمک‌های خود را به بخش عقب‌افتاده بیشتر کنیم تا بتواند پیشرفت کند.^۲

تقبیح مصرف‌گرایی

دادن پیام‌های گوناگون باید جریانی انجام بگیرد و به شکل یک روند دربیاید؛ مقطعی و موردی فایده‌ی ندارد. همه‌ی برنامه‌های ما باید یکدیگر را کمک کنند تا این فکر و این اندیشه در جامعه مطرح شود. ممکن است گاهی ما پیام‌های متناقض بدهیم. مثلاً

^۱ بیانات در دیدار مردم کرمان ۱۱/۰۲/۱۳۸۴

^۲ بیانات در دیدار مردم کرمان ۱۱/۰۲/۱۳۸۴

از یک طرف درباره‌ی عدالت اجتماعی برنامه‌ی خیلی خوبی تولید می‌کنید؛ اما از آن طرف در خلال یک برنامه‌ی دیگر، عملاً عدالت اجتماعی را نقض می‌کنید! این درست نیست؛ باید آهنگ کلی برنامه‌ها یکی باشد و در بین آنها تناقض دیده نشود. در مقوله‌ی عدالت اجتماعی فیلمها و سریالهایی ساخته می‌شود که غالباً خانه‌های مورد استفاده‌ی شخصیت‌های این فیلمها اعیانی و اشرافی است! واقعا وضع زندگی مردم ما این طوری است؟ آیا یک زوج جوان یا یک زن و شوهر در چنین خانه‌هایی زندگی می‌کنند؟! این کار چه لزومی دارد؟ سالها قبل بعضی از سریالهایی که از سیما پخش می‌شد، هرچند کیفیت آنها مثل سریالهای الان نبود - عقب‌تر بود - لیکن فضای زندگی در آنها، متواضعانه و در یک خانه‌ی معمولی بود؛ آن طوری خوب است. زندگی را لزوماً نباید اعیانی و اشرافی و متجملانه معرفی کرد. فضای تبلیغی صدا و سیما این طوری باشد. البته گاهی در این خصوص هم به ما تذکر می‌دهند و مطالبی می‌گویند. تبلیغات رسانه‌یی و گاهی تبلیغ‌های خیلی پررنگ که مردم را به طرف مصرف‌گرایی سوق می‌دهد، با برنامه‌یی که فرضاً شما ساخته‌اید تا مصرف‌گرایی را تقبیح کنید، عملاً در تناقض است؛ با هم هماهنگ نیست^۱.

حکومت ارزش‌های دینی

آنچه در دنیا کمیاب است - که این همه دشمنی را به خودش جذب کرده - حکومت ارزشهای دینی است؛ پیدا شدن دین است؛ یعنی اصرار بر تحقق عدالت اجتماعی. این که ما می‌گوییم، شعار نیست؛ حقیقت و هویت ماست. ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بی‌هوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد. باید عدالت اجتماعی را

^۱ بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۰۹/۱۱

تحقق ببخشیم؛ باید ارزشهای اسلامی را در جامعه پیاده کنیم؛ باید جامعه را، جامعه‌ی دینی و اسلامی کنیم.^۱

شاخص‌های اصلی انقلاب

عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه‌ی برنامه‌های حکومت - در قانونگذاری، در اجرا، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکافهای طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد. این که ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم - یعنی تولید ناخالص ملی را بالا می‌بریم - اما ثروتها در گوشه‌یی به نفع یک عده انبار شود و عده‌ی کثیری هم از مردم دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده‌ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسؤولیت ماست. همه‌ی برنامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه‌ی کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهمترین شاخصهای حرکت خود به حساب آورند.^۲

خواسته‌های حقیقی

نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می‌شناسید؛ اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان شدن چرخه‌ی خدمت رسانی، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق، مسؤولیت پذیری و پاسخگویی مسؤلان حکومتی، در شمار برجسته‌ترین این نیازها است و اینها است که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می‌سازد. نیازهای

^۱ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۰۸/۰۶

^۲ بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۳/۰۳/۱۴

موهوم و ساخته‌ی دست تبلیغاتچی‌های بیگانه و بدخواه، نباید بجای این خواسته‌های حقیقی بنشینند^۱.

نیمه‌ی راه عدالت

ما پیشرفت کرده‌ایم. معنای این پیشرفت‌ها این نیست که ما به هدفهای خود رسیده‌ایم. من بارها گفته‌ام، الان هم می‌گوییم: بنده به عنوان یک طلبه‌ی انقلابی معتقد به اسلام و انقلاب، اعتقاد این است که در بسیاری از اهداف خود هنوز در نیمه‌ی راه هستیم. ما عدالت اجتماعی و بنیان‌کنی فقر و آبادسازی همه‌جانبه‌ی کشور را می‌خواستیم؛ اما هنوز به آن مقاصد نرسیده‌ایم و در وسط راه هستیم؛ درعین حال حرکت کرده‌ایم و جلو آمده‌ایم و بخش مهمی از راه را پیش رفته‌ایم. این کارها را انقلاب و نظام اسلامی کرد^۲.

گروه خوردن توسعه با مردم

در عرصه‌ی اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند. عدالت حتما یکی از شاخصهای اصلی است. برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌ای که عدالت و توزیع عادلانه‌ی ثروت را در جامعه ندیده بگیرد، نمی‌تواند چشم‌انداز مورد نظر ما را تأمین کند و برنامه‌ی مطلوب ما نیست. چون برادران سازمان مدیریت و کارشناسان و برنامه‌ریزان این‌جا هستند، این مطلب را می‌گوییم: توجه کنید حتما عنصر عدالت اجتماعی و اقتصادی و توزیع عادلانه‌ی ثروت رعایت شود. نمی‌گوییم همه درآمد برابر داشته باشند - این‌که مورد بحث نیست - اما نمی‌توانیم از عنصر عدالت که یکی از

^۱ پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۰۳/۰۶

^۲ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

اساسی‌ترین عناصر در نظام جمهوری اسلامی است، صرف‌نظر کنیم؛ باید حتما رعایت شود^۱.

شعار اصلی

مسأله‌ی عدالت یکی از این پیامهاست که باید در ذهن مردم جا بیفتد و نزد مردم طالب و عاشق عدالت - عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی، هر دو - به عنوان یک شعار اصلی شود. مثلا ما فیلمی یا طنزی یا بیانی را پخش کنیم که نتیجه‌اش القای بی‌اعتنایی به عدالت به نفع یک شعار دیگر باشد. فرضا ما شعار عدالت را در جامعه به شعار توسعه تبدیل کنیم. البته توسعه هم از نظر مردم و از نظر گویندگان و شنوندگان، مفهوم چندان روشنی نیست. این پیام یا این شعار به آن شعار تبدیل شود، بدون این که در این توسعه، عدالت در نظر گرفته شده باشد. این طبعاً همان حرکتی است که با آن نواخت عمومی که بایستی همه‌ی دستگاه و اجزای این مجموعه با آن تطبیق کنند و با آن هماهنگ باشند و آن را پیش ببرند، تطبیق نمی‌کند^۲.

علاج فقر

البته علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است، تا کسانی که اهل دست‌اندازی به حقوق دیگرانند، نتوانند ثروتی را که حق همگان است، به سود خود مصادره کنند. این یک وظیفه‌ی دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه‌ی خود وظیفه‌ی سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدت و میان‌مدت و بتدریج امکانپذیر است؛ اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر

^۱ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

^۲ بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه‌ی خود مردم و همه‌ی کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند.^۱

سرآغاز فهرست مسائل کشور

امروز سرآغاز فهرست بلند مسائل کشور مسأله‌ی عدالت است. دانشجوی جوان اگر چه خود برخاسته از قشرهای مستضعف جامعه هم نباشد، به عدالت اجتماعی و پر کردن شکافهای طبقاتی به چشم یک آرزوی بزرگ و بی‌بدیل می‌نگرد. این احساس و انگیزه در دانشجو پر ارج و مبارک است. و می‌تواند پایه‌ی قضاوتها و برنامه‌های عملی او برای حال و آینده باشد. اگر عدالت - عدالت واقعی و ملموس و نه فقط سخن گفتن از عدالت - آرزو و آرمان و هدف برنامه‌ریزی‌هاست، پس باید هر پدیده‌ی ضد عدالت در واقعیات کشور مورد سؤال قرار گیرد.^۲

هیچ مصلحتی مقدم بر عدالت نیست

خصوصیت دوم و شاخصه‌ی دوم حکومت امیرالمؤمنین عدالت است؛ عدالت مطلق. یعنی هیچ مصلحت شخصی و هیچ سیاست مربوط به شخص خود را بر عدالت مقدم نمی‌کند. «أتأمرونی ان اطلب النصر بالجور لا والله»؛ من حاضر نیستم پیروزی را از راه ظلم به دست آورم. ببینید چقدر این تابلو، تابلو درخشانی است؛ چه پرچم بلندی است. به شما می‌گویند ممکن است در این میدان سیاست، در این میدان مسابقه‌ی علمی، در این میدان انتخابات، در این میدان جنگ، پیروز شوید؛ اما متوقف به این است که این ظلم را انجام دهید. کدام را انتخاب می‌کنید؟ امیرالمؤمنین می‌گوید من این پیروزی را نمی‌خواهم. من شکست بخورم عیبی ندارد، اما ظلم نمی‌کنم. همه‌ی این حرفهایی که

^۱ بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۰۹/۱۵

^۲ پیام به دومین همایش سراسری جنبش دانشجویی ۱۳۸۱/۰۸/۰۶

راجع به امیرالمؤمنین درباره‌ی عدالت شنیده‌اید، محورش همین عدالت‌طلبی مطلق امیرالمؤمنین است. عدالت برای همه و عدالت در همه‌ی شوئون؛ یعنی عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت اجتماعی و عدالت اخلاقی. این یکی دیگر از معیارهای حکومت امیرالمؤمنین است. تحمل ظلم را نمی‌کند؛ خودش هم به ظلم تسلیم نمی‌شود، ولو مصالحش از دست برود. یکی از ظلم‌های بزرگ، تبعیض است؛ چه تبعیض در اجرای احکام، چه تبعیض در اجرای مقررات. اینها به هیچ وجه برای امیرالمؤمنین قابل قبول نیست. یک نفر از طرفداران پروپا قرص او که تبلیغاتچی بسیار ماهری است و دائماً به نفع او تبلیغات حق می‌کند، مرتکب عمل خلافی می‌شود و امیرالمؤمنین حد الهی را بر او جاری می‌کند. طرفدار مذکور که چنین انتظاری ندارد، می‌گوید: یا امیرالمؤمنین! منی که این قدر طرفدار شمایم؟ منی که این قدر از شما دفاع می‌کنم؟ حضرت می‌فرماید: بله، حکم خداست. آن طرفداری‌ای که از ما می‌کنی، ان شاءالله قبول باشد، خیلی هم متشکر؛ اما حکم خدا این است. حد خدا را برایش جاری کرد؛ او هم گفت: خیلی خوب؛ حال که این طور است، سراغ دربار معاویه می‌روم که قدر مرا می‌دانند! و رفت.^۱

حق توده‌های وسیع مردم

اصل عدالت اجتماعی، اجرای عدالت، در نظر گرفتن حق توده‌های وسیع مردم و پرکردن فاصله‌ی طبقاتی، یکی از اصول اصلی نظام اسلامی است. مبارزه با فساد اداری و فساد اقتصادی و سوءاستفاده از امکاناتی که قدرت در اختیار افراد می‌گذارد - چه سوءاستفاده‌ی مالی و چه سوءاستفاده‌ی سیاسی - از اصول انقلاب است و باید رعایت شود. خدمت به مردم، از اصول انقلاب است. حفظ استقلال کشور در همه‌ی زمینه‌ها و

^۱ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۳۰/۰۶/۱۳۸۱

جلوگیری از نفوذ و رخنه‌ی دشمنان، جزو اصول تغییرناپذیر انقلاب است. اصول و خطوط اصلی انقلاب قابل تغییر نیست. مظهر همه‌ی اینها قانون اساسی مترقی ماست^۱.

ما برای عدالت آمده‌ایم

ما برای اجرای عدالت آمده‌ایم. قشر محروم مردم، بلندگو و تریبون ندارند؛ اما قشر مرفه و زرمند و زورمند، هم از تریبونها بناحق استفاده می‌کنند؛ هم هر جا بخواهند، در بدنه‌ها اعمال نفوذ می‌کنند و کارشان را پیش می‌برند؛ ولی آن قشر محروم زمین می‌ماند. اهتمام اصلی دولت در همه‌ی سیاستهای اجرایی و بخشی، باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد. این باید اولین چیزی باشد که مورد نظر قرار می‌گیرد. با این کار، چقدر ما رفع محرومیت می‌کنیم و چقدر کشور را به عدالت نزدیک می‌کنیم. البته این که چه چیزهایی در رفع محرومیت بیشتر مؤثرند، شما آنها را خیلی خوب می‌دانید. اشتغال، مسکن، درمان، بیمه و موارد گوناگون دیگر، در کاهش و رفع محرومیت مؤثرند. مثلاً اگر می‌خواهیم یک پروژه‌ی صنعتی یا معدنی یا ارتباطاتی را اجرا کنیم، در درجه‌ی اول باید ببینیم تأثیر آن در ایجاد عدالت اجتماعی چقدر است؛ بر این اساس کار کنیم^۲.

مظهر عدل الهی

در زندگی و شخصیت امیرالمؤمنین، واژه و مفهوم «عدالت» برجستگی خاصی دارد. بسیاری از خصوصیات در آن بزرگوار بود، اما یکی از برجسته‌ترین این خصوصیات - که همیشه با نام آن بزرگوار همراه است - مسأله‌ی عدالت است. مفاهیم گوناگونی که شعب مختلف عدالت دارد، در وجود امیرالمؤمنین درهم تنیده است. امیرالمؤمنین مظهر عدل الهی هم هست. عدل به آن معنایی که ما جزو اصول دین می‌دانیم، اقتضاء می‌کرد

^۱ بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۱/۰۳/۱۴

^۲ بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۰۶/۰۵

که خداوند متعال شخصیتی مثل امیرالمؤمنین را برای رهبری و هدایت مردم انتخاب کند؛ و این کار را خدای متعال کرد. وجود امیرالمؤمنین، شخصیت او، تربیت او، اوج مقام او، و بعد نصب او به خلافت، اینها مظهر عدل الهی است؛ اما در وجود خود او، عدالت به معنای انسانی آن هم به طور کامل متجلی است. عدالت انسانی در دو قلمرو فردی و اجتماعی، خود را نشان می‌دهد: عدالت یک انسان در قلمرو فردی او، و عدالت یک انسان در زمینه‌ی حکومت و فرمانروایی او، که به آن عدالت اجتماعی می‌گوییم. هر دوی اینها در زندگی امیرالمؤمنین برجسته است. اینها را ما باید به قصد عمل کردن بدانیم؛ بخصوص کسانی که در جامعه مسؤولیتهایی بر دوش دارند و در قلمرو حکومت، صاحب شأنی هستند.

در امیرالمؤمنین عدالت شخصی در حد اعلی بود؛ همان چیزی که از آن به تقوا تعبیر می‌کنیم. همین تقواست که در عمل سیاسی او، در عمل نظامی او، در تقسیم بیت‌المال توسط او، در استفاده‌ی او از بهره‌های زندگی، در هزینه کردن بیت‌المال مسلمین، در قضاوت او و در همه‌ی شوون او خودش را نشان می‌دهد. در واقع در هر انسانی، عدالت شخصی و نفسانی او، پشتوانه‌ی عدالت جمعی و منطقه‌ی تأثیر عدالت در زندگی اجتماعی است. نمی‌شود کسی در درون خود و در عمل شخصی خود تقوا نداشته باشد، دچار هوای نفس و اسیر شیطان باشد، اما ادعا کند که می‌تواند در جامعه عدالت را اجرا کند. چنین چیزی ممکن نیست. هر کس که بخواهد در محیط زندگی مردم منشأ عدالت شود، اول باید در درون خود تقوای الهی را رعایت کند. تقوا - به همان معنایی که در ابتدای خطبه عرض کردم - یعنی مراقبت برای خطا نکردن. البته معنای این حرف آن نیست که انسان خطا نخواهد کرد؛ خیر. بالاخره هر انسان غیر معصومی دچار خطا می‌شود؛ اما این مراقبت، یک صراط مستقیم و یک راه نجات است و از غرق شدن انسان جلوگیری می‌کند و به انسان قدرت می‌بخشد. انسانی که مراقب خود نیست و

در عمل و کلام و زندگی شخصی خود دچار بی‌عدالتی و بی‌تقوایی است، نمی‌تواند در محیط جامعه منشأ عدالت اجتماعی باشد.^۱

عدالت مطلق در حکومت امام علی

عدالت علی علیه‌السلام در قلمرو جامعه؛ یعنی تأمین عدالت اجتماعی. در این جا امیرالمؤمنین نسخه‌ی کامل اسلام است. حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام یک حکومت صددرصد اسلامی است، نه ۹۹ درصد یا ۹۹/۹۹ درصد؛ نه. صددرصد یک حکومت اسلامی است. تا آن جایی که به امیرالمؤمنین و دامنه‌ی اختیار و قلمرو قدرت او ارتباط پیدا می‌کند، یک لحظه حرکت و تصمیم غیر اسلامی در او نیست؛ یعنی عدالت مطلق. البته در مناطق گوناگونی از حکومت امیرالمؤمنین کاملاً ممکن بود و اتفاق هم افتاد، که کارهای غیر عادلانه‌ای انجام گیرد؛ اما امیرالمؤمنین به عنوان یک فرد مسؤول، هر جا که با چنین چیزی مواجه شد، احساس تکلیف کرد. نامه‌ها و هشدارها و خطبه‌های جانسوز و جنگهای امیرالمؤمنین، همه در راه اجرای این عدالت بود.^۲

با همت مردم می‌شود

عدالت باید واقعیت خودش را در جامعه نشان دهد؛ و این ممکن است؛ کمالین که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بخشهایی از عدالت را که در دوره‌ای اجرای آن در ایران جزو محالات شمرده می‌شد، محقق کرد. یک روز بود که در کشور ما امکان دستیابی به مراکز سیاسی برای کسانی که وابسته‌ی به امریکا نبودند، قبل از آن وابسته‌ی به انگلیس نبودند، وابسته‌ی به قدرتهای فاسد نبودند، وابسته‌ی به آن دربار فاسد نبودند، جزو محالات بود. مردم عادی کاره‌ای نبودند. کسی به ذهنش هم خطور

^۱ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۶/۱۲/۱۳۷۹

^۲ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۶/۱۲/۱۳۷۹

نمی‌کرد که بتواند بدون این آلودگیها و وابستگیها، در مجموعه‌ی فلک سیاست و قدرت در این کشور تأثیری بگذارد؛ اما امروز همه‌ی آحاد این کشور می‌بینند که اگر بخواهند و اگر شرایط لازم را در خودشان فراهم کنند، به بالاترین مقامات سیاسی این نظام نایل می‌شوند. یک روز بود که در این کشور عدالت اجتماعی برای کسی قابل تصور نبود؛ اما امروز بخشی از آن محقق شده است. پس ما می‌توانیم. با همت مردم، می‌شود کارهای زیادی کرد^۱.

این راه راهی طولانیست

بنابراین ما پیشرفت زیادی کرده‌ایم؛ منتها اگر از من بپرسید که آیا به این حد قانعم، پاسخ من این است: ابدًا. ما هنوز راه زیادی داریم؛ هم به عدالت اجتماعی‌یی که اسلام از ما خواسته است - و اسلام در این خصوص بسیار سختگیر است - هم به آن سطحی از آزادی که ملت ایران مستحق و شایسته آن است، هنوز نرسیده‌ایم. ما هنوز کار داریم؛ این راه، راهی طولانی است. این که من بارها به جوانها می‌گویم خودتان را آماده کنید، برای همین است. شما باید این راه را طی کنید. این راه هم راهی است که در هر کیلومترش تابلوی «توقف ممنوع» نصب شده است؛ لذا در این راه نباید توقف کرد. سربازان عدالت اجتماعی باید خستگی‌ناپذیر باشند. کسانی که در این راههای طولانی و آرمانهای بزرگ حرکت می‌کنند، باید خستگی حس نکنند. یک ملت، این گونه به سیادت و آقایی و آرمانهای خودش می‌رسد. هیچ ملتی با تنبلی به سیادت و سعادت نمی‌رسد. بزرگترین مصیبت برای یک ملت این است که بگوید چون ما نتوانستیم همه‌ی هدفهای خود را تأمین کنیم، پس ولش! نخیر؛ بایستی هدفها را دنبال کرد^۲.

^۱ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

^۲ بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

تلاش همه لازم است

امروز کشور ما در حال گذر از یک دوران سخت اقتصادی است، تا ان شاءالله به یک دوران باز، آزاد، خوب و برخوردار از رفاه برسد که مردم بتوانند از منافع و عطایا و هبات این طبیعت عظیم و این امکانات فراوانی که در کشور ما هست، استفاده کنند. ما تلاش همه را هم لازم داریم؛ لیکن یکی از آفاتی که در همین دوران متوجه حرکت رشد و توسعه‌ی عمومی کشور است، این است که به وسیله‌ی سوءسیاستها در کشور، شکاف بین طبقات زیاد شود. این را باید بسیار مراقب باشند. عده‌ای فقط به خود فکر می‌کنند. اینها کسانی هستند که نه به قشر مظلوم و مستضعف، نه به فقرا و نه به آینده‌ی کشور فکر نمی‌کنند و فقط به جیب خودشان، به زندگی شخصی خودشان و به گردآوری هرچه بیشتر ثروت می‌اندیشند. دستگاههای مسؤوَل نباید اجازه دهند که اینها مرتب فاصله‌ها و شکافها را بیشتر کنند. عدالت اجتماعی، اساس است. اگر رونق اقتصادی در کشور باشد، اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد؛ همچنان که امروز در بسیاری از کشورها شما ملاحظه می‌کنید که تولید بالاست، کارخانه‌های بزرگ مشغول کارند، ثروت تولید می‌شود؛ اما محرومیت در آن کشورها هست؛ از جمله همین کشورهای پیشرفته‌ی اروپایی و غربی. آنچه که از این کشورها در تلویزیونها و از پشت دوربینها به من و شما نشان می‌دهند، جاهای خوبش است. محلات فقیرنشین و زندگیهای تلخ و گرسنگیها و محرومیتها و حسرتها را که نشان نمی‌دهند؛ ساختمانها و خیابانهای عالی و باغهای بزرگ و امثال اینها را نشان می‌دهند! اگر پیشرفت صنعتی و رونق اقتصادی باشد، اما عدالت اجتماعی نباشد، می‌شود همین وضعیت و وضعیت بعضی از کشورهایی که از آنها هم بدترند. ما که این را نمی‌خواهیم. ما در جامعه فقط رونق اقتصادی را نمی‌خواهیم. ما رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را می‌خواهیم. البته نمی‌گوییم عدالت اجتماعی باشد، اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آن جایی که هیچ رونق

اقتصادی نیست، عدالت اجتماعی عامل چندان مهمی نیست و درعین حال جامعه به رفاه و به برخورداری لازم نخواهد رسید. اگر عدل اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی باشد، جامعه شکوفا خواهد شد. نمی‌شود که ما عدالت اجتماعی را رعایت نکنیم.

مسئولان سررشته دار امورند. از طرفی باید اجازه بدهند که کسانی از مجاری صحیح، تلاش اقتصادی سالم و قانونی بکنند - چون تولید ثروت در اسلام مذموم نیست - اما باید جلو استفاده از روشهای غیرقانونی، استفاده از راههای تقلب و خدعه و مکر و سوءاستفاده از ثروتهای عمومی را بگیرند. اینها ممنوع است. فاصله‌ها باید کم شود. پاره‌ای از این حقوقها، پاداشها و دریافتهایی که بعضی افراد دارند - که از بیت‌المال هم هست - اصلاً قابل توجیه و قابل فهم و قبول نیست. کسانی که از اموال دولتی و از بیت‌المال استفاده می‌کنند، بایستی به قدر حق و ارزش کارشان برخوردار شوند. نمی‌شود که عده‌ای برخورداریهای زیاد داشته باشند. البته انقلاب اسلامی این بت تبعیض و طاغوت پروری را در این کشور شکست. قبل از انقلاب، فاصله‌ی بین فقیر و غنی یک امر اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شد. کسی جرأت نمی‌کرد بگوید بالای چشمتان ابروست.

انقلاب اسلامی آمد و راه عدالت اجتماعی را باز و مسیر را هموار کرد. اما ما باید عمل کنیم. آن کسی که قانون می‌گذارد، آن کسی که تصمیم می‌گیرد و آن کسی که برنامه‌ریزی می‌کند، باید ملاحظه‌ی عدالت اجتماعی را بکند. چند روز قبل از این، سیمای جمهوری اسلامی مدرسه‌ای را در یکی از روستاهای بوشهر نشان داد که از مشاهده‌ی آن وضعیت، دل من به درد آمد! یک عده جوان در گوشه‌ای از همین کشور، با آن شرایط سخت به دبیرستان می‌روند؛ آن وقت چند کیلومتر آن طرفتر در وسط دریا، شما ببینید با ثروتهای بادآورده چه کارهایی می‌شود! در نظام جمهوری اسلامی، این روش درست نیست؛ غلط است. مسئولان باید مراقبت کنند. هر کس وظیفه‌ای دارد و باید وظیفه‌اش را دقیق انجام دهد. مسئولان باید دنبال عدالت و دنبال آسان کردن زندگی برای طبقات مستضعف و محروم و پابرنه باشند. مراد کسانی است که در روز

خطر این مملکت را نجات دادند و اگر خدای نکرده بار دیگر خطری این مملکت را تهدید کند، باز هم همین جامعه‌ی کارگری، همین معلمان، همین قشرهای محروم و همین کارمندانی که از لحاظ درآمد در سطوح پایینی قرار دارند، می‌روند دفاع می‌کنند و سینه سپر می‌سازند.^۱

تکلیف بر دوش

در بسیاری از مناطق دنیا ممکن است دمکراسی هم باشد، فعالیت اقتصادی هم باشد؛ اما چیزی به نام عدالت اجتماعی و رفع تبعیض مطرح نیست. امروز در کشورهای سرمایه‌داری و در میان طبقات گوناگون، آنچه که رسمیت و اعتبار دارد، مبارزه و جنگ اشخاص برای حفظ منافع خودشان است و چیزی به نام عدالت اجتماعی، به عنوان یک وظیفه، به عنوان یک ارزش و به عنوان یک تکلیف بر دوش برنامهریزان آن کشورها، وجود ندارد. اسلام که قانون اساسی ما را تشکیل می‌دهد و قوانین ما را هدایت می‌کند، عدالت اجتماعی جزو بزرگترین توصیه‌هایش است. اگر مسؤولانی در کشور برای عدالت اجتماعی، برای نفی فقر در جامعه و برای کم کردن شکاف میان طبقات فقیر و غنی کار نکنند، از چشم مردم خواهند افتاد و مردم آنها را به عنوان مسؤولانی که مورد علاقه و قبول آنها باشند، طبعاً نمی‌پذیرند.^۲

آرزوی بزرگ

ما می‌توانیم در سایه‌ی نزدیکی به امیرالمؤمنین علیه‌السلام، به آرزوی بزرگ کشور و ملتمان و نظام جمهوری اسلامی - یعنی عدالت اجتماعی - نزدیک شویم. امیدوارم که ما مسؤولان کشور - در درجه‌ی اول - و همه‌ی آحاد مردم تلاش کنند تا بتوانیم

^۱ بیانات در دیدار کارگران و معلمان ۱۳۷۹/۰۲/۱۴

^۲ بیانات در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۰۲/۰۱

عدالت اجتماعی را در این کشور، مستقر کنیم. این آرزوی بزرگ همه‌ی عدالتخواهان، همه‌ی مبارزان و شهیدان و همه‌ی رادمردان عالم در تاریخ ما و در تاریخ عالم بوده و هست.^۱

آرمان و آرمانگرایی

یکی از آفات جنبش دانشجویی همین است که به آرمانها و آرمانگرایی پشت کنند. یا مثلاً وقتی که مسأله‌ی عدالت اجتماعی در کشور مطرح می‌شود، دانشجو باید از این مسأله حمایت کند. عدالت اجتماعی، آن چیزی است که حتی کسانی که اصرار داشتند شعار عدالت اجتماعی را به دلایل سیاسی و با انگیزه‌های گوناگون کمرنگ کنند، بالاخره نتوانستند؛ مجبور شدند عدالت اجتماعی را مطرح کنند. در دنیا، غیر از مستکبران و زورگویان و چپاولگران عالم، هیچ انسانی نیست که به عدالت اجتماعی و شعار آن پشت کند. این شعار در کشور مطرح می‌شود؛ چه کسی باید از این شعار حمایت کند؟ چه کسی باید بیشتر از همه درباره‌ی آن بیندیشد؟ چه کسی باید برای آن کار کند و درباره‌ی راههای تأمین آن، تحقیق و بحث کند و میزگرد بگذارد، غیردانشجویان؟^۲

عقیده جدی

من یک عقیده جدی دارم که بحث «عدالت اجتماعی» باید تعقیب شود - شکی در این نیست و بارها هم این را گفته‌ام - منتها آن کسی که باید تعقیب کند، بنده نیستم؛ دستگاههای قضایی و دستگاههای دولتی هستند که بایستی دنبال کنند. یک مقدار از این قضیه باید به برکت قوانین خوب حل شود؛ یک مقدار باید به برکت اجرا حل شود؛

^۱ پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۹/۱/۰۱

^۲ بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۸/۰۹/۰۱

یک مقدار هم باید به برکت بازرسی دستگاههای برتر و بالاتر حل شود؛ یعنی دستگاههای دولتی، نسبت به بخشهای زیرمجموعه خودشان^۱.

بیشترین اهتمام نظام اسلامی

از مشخصه‌های خط امام، عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم است که امام آنها را صاحب انقلاب و صاحب کشور می‌دانست. امام، پابرهنگان را مهمترین عنصر در پیروزیهای این ملت می‌دانست؛ همین‌طور هم هست و همان‌طور که گفتیم، امام به گفتن هم اکتفا نکرد. امام از همان اول انقلاب، جهاد سازندگی، کمیته‌ی امداد، بنیاد مستضعفان، بنیاد پانزده خرداد و بنیاد مسکن را به وجود آورد و دستورات مؤکد به دولتهای وقت داد. عدالت اجتماعی، جزو شعارهای اصلی است؛ نمی‌شود این را در درجه‌ی دوم قرار داد و به حاشیه راند. مگر می‌شود؟! حالا عده‌ای از آن طرف در می‌آیند که امام فرمود: انقلاب ما انقلاب نان نیست، برای نان نیست؛ بله؛ انقلاب اکتبر روسیه که در سال ۱۹۱۷ پیدا شد، به‌خاطر قطع شدن نان در شهرهای اصلی آن روز - مثلاً مسکو - بود. اگر مردم آن روز نان داشتند - همین نان معمولی - آن انقلاب پیش نمی‌آمد. انقلاب ما این‌گونه نبود، انقلاب ما براساس یک ایمان بود؛ اما معنایش این نیست که انقلاب نباید به زندگی مردم، به اقتصاد، به نان و به رفاه مردم بپردازد. این چه حرفی است؟! امام به این مسائل می‌پرداخت و دستور می‌داد و آنچه در درجه‌ی اول، مورد نظر امام بود، عبارت بود از طبقات محروم و مستضعف. البته امروز کنار گودنشینها، آنهایی که همیشه بلند گوشه‌ای بنشینند و دستور و نسخه صادر کنند - بدون این که بدانند واقعیتها چگونه است، یا هیچ مسؤولیتی احساس کنند - می‌گویند عدالت اجتماعی تحقق پیدا نکرده است! البته عدالت اجتماعی کامل، بلاشک تحقق پیدا نکرده است - خیلی باید مجاهدت کنیم - اما نظام اسلامی آمد و آن برنامه و نقشه‌ی غلطی را که

^۱ بیانات در پاسخ به پرسش‌های دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۸/۰۹/۰۱.

در این مملکت بود - که هیچ حقی برای روستا و روستائین و شهرهای دور دست و طبقات محروم قائل نبودند - تغییر داد و بیشترین اهتمام را روی این چیزها گذاشت.^۱

رفاه و پیشرفت همراه با عدالت

اسلام به ملتها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم می‌دهد. آن پیشرفت اقتصادی که فاصله‌ی بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. آن نسخه‌ی اقتصادی که امروز کشورهای غربی برای مردم دنیا می‌پیچند و ارائه می‌دهند که طبقاتی را مرفه می‌کند و رونق اقتصادی را بالا می‌برد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن و زیر فشار قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام می‌شود؛ این را اسلام نمی‌پسندد. رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مواسات و همراه با روح برادری، باز در سایه‌ی اسلام به دست می‌آید.^۲

مطالبه‌مجدانه و منطقی

من اعتقادم این است که باید مردم نسبت به مسأله‌ی عدالت اجتماعی و خواست عدالت اجتماعی، مجدانه و منطقی، با مسؤولان نشان صحبت کنند و از دولتها و از نمایندگان مجلس این را بخواهند. باید آن کسی را که شعار عدالت اجتماعی می‌دهد، موظف و مسؤول کنند و از او مطالبه نمایند. باید توجه داشته باشند آن کسی که عدالت اجتماعی را در درجه‌ی پنجم قرار می‌دهد و عناوین دیگری را به جای عدالت اجتماعی می‌گذارد، او بیشترین نیاز یک جامعه را نادیده می‌گیرد و از نظر دور می‌کند.^۳

^۱ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۰۳/۱۴

^۲ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۸/۰۳/۱۲

^۳ بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسؤل و سردبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۰۴

مهم ترین ارزش جامعه

عدالت و عدل، مهمترین ارزش در جامعه است: «بالعدل قامت السموات والارض»؛ آسمان و زمین به عدالت وابسته است؛ نظام اجتماعی هم به عدالت وابسته است. اگر عدالت نباشد، هیچ چیز در جامعه نیست. در یک جامعه‌ی آزاد - حتی آزاد به همان سبک امریکایی - اگر عدالت نباشد - که در آن جاها نیست و همان آزادی هم به نفع یک طبقه و علیه یک طبقه خواهد بود - چند نفر سفیدپوست یک نفر سیاه‌پوست معلول را از روی ویلچر برمی‌دارند و به اتومبیل خودشان می‌بندند، به بیابانها می‌برند و روی زمین می‌کشند! بالاخره آزادی است دیگر! عدالت که نباشد، امنیت هم در خدمت طبقه‌ی مرفه و برخوردار و سوءاستفاده‌چی است. اگر عدالت نباشد، همه‌ی خیرات به یک طرف می‌رود. من پارسال به شما عزیزان عرض کردم که هشت سال دوران سازندگی را گذراندیم که از بهترین و پرکارترین دورانهای ما بوده است. خیلی تلاش شده است، خیلی زحمت کشیده شده است؛ اما خاصیت دوران بازسازی این است که پول در جامعه زیاد است. زرنگترها، بی‌ملاحظه‌ترها، بی‌قانون‌ترها، بی‌خداترها، کسانی که دلشان به خون امثال شهدای هفتم تیر نمی‌تپد، در چنین شرایطی سوءاستفاده می‌کنند. کسانی که بارها بر دوش آنهاست، سرشان بی‌کلاه می‌ماند؛ یعنی اکثریت کشور، یعنی طبقه‌ی مستضعفین، یعنی پابرنه‌ها، یعنی کسانی که بار تورم بر روی دوش آنهاست و گرانیها بر آنها فشار می‌آورد؛ یعنی طبقه‌ی کارمند، طبقه‌ی کارگر، کسبه‌ی ضعیف، قضات پاکدامن، قاضی‌ای که در سنین نزدیک به بازنشستگی باید چند کیلو پرونده را زیر بغل بگذارد، به خانه ببرد و فصل تابستان در یک اتاق گرم بنشیند، ساعتها بررسی کند. برای این که درآمدی در مقابل آن داشته باشد! فشارها روی اینهاست؛ اینها عقب می‌مانند. این خلاف عدالت است. ما برای این نیامده‌ایم. فلسفه‌ی وجود من و امثال من در این جا - که بنده یک طلبه هستم - این است که ما بتوانیم عدالت را اجرا کنیم و لاغیر. دعایی که شما برای آمدن امام زمانتان می‌کنید - که اعز همه‌ی خلائق عندالله و عندعباده

الصالحین است - این است که می‌گوییم: «یمالا الله به الارض عدلا و قسطا»، نمی‌گویید دینا و خلقا. بشر تشنه‌ی عدالت و دنبال عدالت است.^۱

جوهر معنوی انقلاب

البته در داخل کشور، کارهای زیادی وجود دارد که باید انجام گیرد. در داخل کشور، حرکات عظیمی است که به عهده‌ی مسؤولان است و باید با کمک مردم کارهای بزرگی را انجام دهند و کشور را بسازند؛ هم نوسازی مادی، هم نوسازی معنوی و فرهنگی، هم تأمین و استقرار عدالت اجتماعی و هم از بین بردن فقر و محرومیت و بی‌سوادی و تبعیض و جلوگیری از رشد خصلت‌های منفی در جامعه. اینها کارهایی است که باید انجام گیرد. وقتی که این کارها شد، حرکت عظیم مردم و آن جوهر معنوی انقلاب خواهد توانست کار خود را بکند.^۲

یک لحظه کاستی

اهتمام به مسأله‌ی عدالت اجتماعی در کشور، نباید یک لحظه کاستی بگیرد. البته این قضیه، قضیه‌ی شعاری نیست، با گفتن هم مسأله تمام نمی‌شود؛ همه‌ی دستگاهها باید تلاش کنند. همین کارهایی که امروز در کشور انجام می‌گیرد، همه لازم است و باید انجام گیرد؛ منتها جهت اینها باید جهت تأمین عدالت اجتماعی باشد. از مسؤولان اجرایی، تا مسؤولان قضایی، تا قانونگذاران، تا روحانیان، تا گویندگان، تا روزنامه‌نگاران، تا روشنفکران و دیگران، همه باید این را وظیفه‌ی خودشان بدانند. اگر جهتگیری عدالت اجتماعی در کشور ضعیف شود، هر کاری در کشور انجام گیرد، به زیان طبقات ضعیف و عامه‌ی مردم و به سود یک عده‌ی معدود زرنگها و گردن کلفتها و دست و پادارها و

^۱ بیانات در دیدار مسؤولان دستگاه قضایی ۰۷/۰۴/۱۳۷۷

^۲ بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۲۹/۰۵/۱۳۷۶

قانوندانهای قانون‌شکن که راههای قانون را بلدند و قانون‌شکنی را هم می‌دانند، تمام خواهد شد. مجموعه‌ای از این کارها به عهده‌ی همه است؛ بخشی از آن هم که قابل اهمیت است، به عهده‌ی شما عزیزان نیروی انتظامی است. راه اصلاح و تکمیل و گسترش کیفی و همچنین به قدر لازم، گسترش کمی را با جدیت و قدرت دنبال کنید؛ همان‌گونه که بحمدالله چندی است احساس می‌شود که در نیروی انتظامی واقعا حرکتی محسوس است^۱.

تشنه‌ی عدالت

اگر جامعه‌ای که براساس اسلام به وجود می‌آید، در میان خود، عدالت اجتماعی و عدالت حقوقی و عدالت قضایی و عدالت اجرایی داشته باشد، عدالت به معنای مطلق کلمه در میان مردم اجرا شود و تقسیم صحیح ثروت باشد، خود این عدالت در این جامعه، عاملی برای جذب دل‌های ملتها و مردم در همه جای دنیا به اسلام است. چرا؟ چون انسانها از بی‌عدالتی رنج می‌برند.

امروز در کشورهایی هم که دارای ثروت مادی و علمی فراوان هستند، بی‌عدالتی هست و عدالت به معنای حقیقی کلمه نیست. لذا اکثریت انسانها در آن کشورها دچار رنجند. چرا؟ چون درباره‌ی آنها عدالت اجرا نمی‌شود. وقتی اینها ببینند که در گوشه‌ای از دنیا حکومتی وجود دارد و نظامی هست که براساس اسلام شکل گرفته و در این نظام، عدالت مستقر است و مردم از عدالت بهره‌مندند و در آن، بی‌عدالتی و زورگویی افراد به یکدیگر و تجاوز و تعرض به حقوق دیگران نیست و در آن مظلومی وجود ندارد که دستش به دادرسی و دادگستری نرسد، نسبت به آن نظام، جذب می‌شوند. خود این، عامل گسترش اسلام است. پس، عامل دوم گسترش اسلام، عدالت است. عدالت، مقوله‌ای است که امروز جمهوری اسلامی، مخاطب به آن است.

^۱ بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی ۱۳۷۶/۰۴/۲۵

البته عدالت کامل و مطلق، چیزی نیست که در ظرف دو سال و پنجسال و دهسال، به وسیله‌ی انسانهای ناقصی از قبیل ما قابل استقرار یابد. عدالت، مقوله‌ی بسیار دشواری است. عدالت، بسیار صعب‌الوصول و مشکل است. جامعه باید از لحاظ اخلاقی ساخته شود، تا بتوان عدالت کامل را در آن اجرا کرد.

نکته‌ی دیگر این‌که از اول تشکیل حکومت جمهوری اسلامی تا امروز، به فضل پروردگار تلاشهای بسیاری برای استقرار عدالت شده است. آن ظلمها، آن زورگوییها، آن از بالا حقوق افراد جامعه را غصب کردن‌ها، آن مال‌اندوزیهای قدرتمندان - که آن کسی که در رأس قدرت قرار داشت، از همه‌ی مردم کشور ثروتمندتر بود - امری عادی نبود. سلاطین قاجار، سلاطین پهلوی - از قبلیها ما درست خبر نداریم و کاری هم با آنها نداریم - آن کسانی که در رأس حکومت بودند و آن کسی که به عنوان پادشاه در این کشور زندگی می‌کرد و رئیس کشور بود، از همه‌ی افراد ملت ثروتمندتر بودند. این، از کجاست؟ مگر جز با ظلم، چنین چیزی ممکن است؟ اموال مردم را می‌گرفتند. رضاخان هر جا ملک خوبی بود، هر جا چیز چشمگیری بود، هر جا عمارت زیبایی بود، دست می‌گذاشت و ثروت انبوه عظیمی برای خودش درست می‌کرد و چقدر از مناطق کشور را که یکجا دست گذاشت و آن را متعلق به خودش کرد! بازماندگان او هم همین‌طور بودند. در رأس قدرت، بی‌عدالتی مطلق بود. هرچه از رأس قدرت پایینتر می‌آمدیم، این بی‌عدالتی هم پایین‌تر می‌آمد و گسترش پیدا می‌کرد. هر کس در آن نظام دستش می‌رسید که به دیگری ظلم کند، ظلم می‌کرد. جلوگیری هم نداشت. جلوداری هم نبود. آن نظامها، این‌گونه بودند.

در نظام جمهوری اسلامی، بحمدالله مطلب به عکس است. اگر یک وقت هم گزارشی از برخی بی‌عدالتیها یا تعرضها و تجاوزها می‌رسد، مطلقاً مربوط به کسانی که در رتبه‌های بالای حکومت هستند، نیست. آن کسانی که در رأس قدرتمند؛ آن کسانی که در رأس حکومتند، زندگیهایی مثل زندگیهای مردم متوسط - بعضاً پایین‌تر از متوسط

- دارند، طمعی به مال مردم ندارند، طمعی به مال دنیا ندارند. خدا را شکر می‌کنیم که پروردگار عالم، این سنت و سیره‌ی سجیه‌ی پسندیده را در جمهوری اسلامی قرار داد که کسی از مسؤولان نخواهد به ثروت تفاخر کند. آن روزها به ثروت تفاخر می‌کردند، چون یک امتیاز بود؛ ولی امروز ثروت داشتن مسؤولان، یک جنبه‌ی منفی است. اگر یکی از مسؤولان دارای ثروتی باشد، مال و منالی داشته باشد، خانه‌ی آن چنانی داشته باشد، وضعیت آن چنانی داشته باشد، این یک امر منفی است. هم از نظر مردم بحمدالله منفی است، هم از نظر مسؤولان منفی است، هم آن کسانی که دارند، می‌دانند که یک نقطه‌ی منفی است. این، در نظام جمهوری اسلامی، مسأله‌ی خیلی مهمی است. این، همان حرکت به سمت عدالت است که از اول انقلاب بحمدالله شروع شد - امام بزرگوار ما مظهر پاکدامنی و پارسایی و بی‌اعتنایی به دنیا بود - و بحمدالله رواج داشت. در نظام حکومت امروز هم همین‌طور است.

بنابراین، هم کارهایی که شده است و هم آنچه که به معنای عدالت مطلق مورد نظر است، یک حرکت بلندمدت لازم دارد؛ ولی آن چیزی که من می‌خواهم به مسؤولان و به مردم عرض کنم، این نکته است که در دوران بازسازی، خطر دنیاطلبی بیشتر از همیشه است. در دوران بازسازی، ثروتها انباشته می‌شود؛ چون دوران بازسازی، دوران تراکم کارها، دوران انباشت ثروتها، دوران افزایش فعالیت‌های اقتصادی و دورانی است که اگر کسی می‌تواند تلاشی بکند و حرکتی اقتصادی بکند، راه برای او باز است. در چنین دورانی، آدمهایی که اهل دنیا هستند، آدمهایی که دلشان در بند زخارف دنیوی است، آدمهایی که منافع شخصی خود را بر منافع کشور و ملت و مصالح انقلاب ترجیح می‌دهند، دستشان باز است، برای این که بتوانند خدای نکرده به سمت اشرافیگری و زراندوزی و جمع مال و منال و سوءاستفاده بروند. دوران بازسازی، دوران شکوفایی و پیشرفت ملت و دوران ساختن کشور است. اما در همین حال، این دوران، دوران خطر گرایش آدمهای ضعیف به سمت اشرافیگری و تجمل و انباشت ثروت و سوءاستفاده‌ی

اقتصادی است. لذا همه باید خیلی مراقب باشند؛ هم مسؤولان و هم آحاد مردم. خدای متعال برای جامعه، غنا و ثروت خواسته است. خدای متعال از جامعه‌ی فقیر خشنود نیست و از جامعه‌ی مستمند و ملت فقیری که نمی‌تواند زندگی خود را تأمین کند، خوشش نمی‌آید. خدای متعال، برای یک جامعه، غنا و ثروت و داشتن امکانات زندگی و استخراج ذخیره‌های زیرزمینی و امثال اینها را خواسته است. اسلام، این را خواسته است. اسلام از ما خواسته است که روی زمین را آباد کنیم و به ثروت جامعه بیفزاییم. این درست؛ اما درعین حال اسلام خواسته است که در جامعه، فاصله‌ی میان دو قشر از جامعه - قشر فقیر و قشر غنی - فاصله‌ی زیاد و دره‌ی عمیقی نباشد و شکاف به وجود نیاید. این طور نباشد که در جامعه، عده‌ای دچار فقر و تنگدستی و تیره‌روزی باشند، اولیات زندگی به دست آنها نرسد؛ اما عده‌ای ثروتهای افسانه‌ای درست کنند. این را اسلام نمی‌خواهد. این، خلاف عدالت است. این، همان چیزی است که اگر در جامعه به وجود آمد و به آن میدان داده شد، آن وقت دیگر تأمین عدالت اجتماعی در جامعه، شکل افسانه‌واری به خود خواهد گرفت. دیگر نمی‌شود امیدوار بود که جامعه به عدالت اجتماعی خواهد رسید. باید جلو این را گرفت. آنچه که من می‌خواهم در روز اول سال ۱۳۷۶ هجری شمسی و روز ولادت امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام به همه‌ی شما، به همه‌ی ملت و به همه‌ی مسؤولان عرض کنم، همین نکته است. من دیروز در پیام اول سال، به ملت ایران عرض کردم که صرفه‌جویی را شعار خودتان قرار دهید. صرفه‌جویی به معنای گدابازی نیست که بعضی بگویند چرا نمی‌گذارید مردم از نعمتهای خدا استفاده کنند. نه؛ استفاده کنند، ولی اسراف و زیاده‌روی نکنند. اسراف در جامعه، لازمه‌ی اشرافیگری و تقسیم نابرابر ثروت و مابه‌ی تضييع اموال عمومی و نعمت الهی است. صرفه‌جویی صحیح - همان که در اسلام به آن قناعت می‌گویند - به معنای نخوردن نیست. به معنای زیاده‌روی نکردن، مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است. اگر جامعه‌ای بخواند قناعت و صرفه‌جویی را - که یک

دستور اسلامی است - عمل کند، باید متوجه باشد که در شکل کلی به عدالت اجتماعی و مسأله‌ی عدالت پرداخته شود. برای این که بشود این راه را ادامه داد، همه و همه باید کوشش کنند. حال که بحمدالله کشور در راه سازندگی حرکت می‌کند، از عدالت غفلت نکنند و میدان برای سوءاستفاده کنندگان باز نشود. مسؤولان قضایی، با استحکام دادگاهها و دستگاههای قضایی؛ مسؤولان اجرایی، با دقت در سپردن مسؤولیتها و کارها و طرحها و ثروتها به افراد امین؛ مسؤولان قوهی مقننه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با وضع قوانین مناسب، باید این زمینه را فراهم کنند.

این که من چندی پیش به مردم عزیز اهواز و خوزستان و در حقیقت به همه‌ی ملت ایران گفتم که ما باید گام چهارم انقلاب را که گام نوسازی و تحول معنوی و اخلاقی است، برداریم و در جامعه، به یک معنا این حرکت از همه‌ی حرکتها دشوارتر است و خیلی سخت است که انسان از لحاظ اخلاقی، همه‌ی جامعه را نوسازی کند و تحول ببخشد و رذایل اخلاقی را کنار بریزد و معنویات را بر جامعه مستقر کند، به‌خاطر همین است که ما بدون یک تحول اخلاقی عمیق و گسترده، نخواهیم توانست عدالت اجتماعی را آن‌طوری که مورد نظر اسلام است، انجام دهیم. عدالت، عده‌ای را زخم‌دار و ناراضی می‌کند. عدالت، کسانی را که درصد سوءاستفاده از اموال عمومی‌اند، به اعتراض وامی‌دارد. آن کسانی هم که در این مواقع اعتراضی می‌کنند، کسانی نیستند که دستشان به جایی نرسد. کسی که امکانات و ثروت دارد، می‌تواند مسأله درست کند. دشمنان خارجی هم به این طور آدمها کمک می‌کنند.

نظام اسلامی، نظام عدالت است. لذا در آیه‌ی شریفه‌ی قرآن، فرستادن پیامبران و نازل شدن کتب آسمانی را به هدف اقامه‌ی قسط معین فرموده است: «لیقوم الناس بالقسط». جامعه، با قسط حرکت می‌کند. وقتی در جامعه عدالت بود؛ وقتی هر کس که اهل تلاش و کار و فعالیت است، دید در جامعه می‌تواند تلاش و کار و فعالیت کند و وقتی همه دیدند کسانی که فرصت‌طلبند، کسانی که پررویند، کسانی که متجاوز و متعرض به

حقوق دیگرانند، توسط قانون و پاسداران قانون جلویشان گرفته می‌شود، به اسلام جذب می‌شوند. نه فقط آنها، بلکه همه‌ی ملتها و کشورها و همه‌ی انسانها و همه‌ی تشنگان عدالت در دنیا، به سمت اسلام جذب می‌شوند.

مردم، امروز تشنه‌ی عدالتند. وقتی در نظام جمهوری اسلامی عدالت باشد، از همه جای دنیا مردم گردن خواهند کشید؛ چشم به این حقیقت درخشان خواهند دوخت، آن را تحسین خواهند کرد و به آن جذب خواهند شد. آن وقت این آیه‌ی شریفه معنا خواهد شد: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله». این وظیفه است؛ هم وظیفه‌ی مردم و هم وظیفه‌ی دستگاههای مسؤول. همان طور که عرض کردم، هم دستگاههای قضایی، هم دستگاههای اجرایی و هم قوه‌ی مقننه، هر کدام باید ببینند برای تکمیل و گسترش و هوشمندانه اجرا کردن عدالت در سطح کشور و در همه‌ی کارها و فعالیتهای اقتصادی - که مقداری بحمدالله وجود دارد، اما باید تکمیل شود - بخصوص در این دوران، چه وظیفه‌ای متوجه آنهاست؛ آن وظیفه را باید انجام دهند.

مردم، به نظام جمهوری اسلامی با همه‌ی وجود علاقه‌مندند. مردم، مسؤولان و نظام و نمایندگان خود را دوست می‌دارند. این مردم علاقه‌مند با اخلاص صادق وفادار وارد در همه‌ی میدانهای لازم در جمهوری اسلامی را بایستی با اجرا و گسترش و اعمال عدالت، باز هم به این حقیقت روشن امیدوارتر کرد.

عزیزان من! به شما عرض کنم که این دو آیه با هم است. این آیه می‌گوید که اسلام در سایه‌ی عوامل درونی خود - که عرض کردیم منطبق و استدلال از یک سو و عدالت اجتماعی از سوی دیگر است - بر دنیا سیطره خواهد یافت. نه از راه توطئه‌گری، نه از راه شمشیر، نه از راه کارهایی که دشمنان خدا در جاهای دیگر همیشه کرده‌اند و دشمنان جمهوری اسلامی همین حالا هم می‌کنند؛ بلکه از راه منطبق و از راه اجرای عدالت. این، یک آیه. آیه‌ی قبلی هم این است که «یریدون لیطفوا نورا لله بافواهم»؛

هر چه می‌خواهند تهدید کنند. این که خدای متعال، کید دشمن را در مقابل اسلام ضعیف می‌شمارد، فقط کید کفار قریش در روزگار پیامبر نیست. این، یعنی همه‌ی توطئه‌ی دشمن، یکجا علیه جمهوری اسلامی. یعنی محاصره‌ی اقتصادی. یعنی توطئه‌ی تبلیغاتی گسترده در همه جا. یعنی فشارهای سیاسی. یعنی شب و روز نشستن صهیونیستهای وسوسه‌گر با دیگر قدرتهای ضد جمهوری اسلامی و علیه جمهوری اسلامی شب و روز تلاش کردن. همه‌ی اینها را شامل می‌شود و قرآن می‌گوید که در مقابل پایبندی این ملت به اسلام و راه خدا؛ در مقابل وحدت و همبستگی این ملت؛ در مقابل عشقی که این ملت را از روز اول به راه خدا و قرآن به حرکت واداشته است؛ در مقابل استقامت و صبر و حکمت و هوشیاری این ملت، همه‌ی این قدرتها، همه‌ی این توطئه‌ها، همه‌ی این خدعه‌گریها و همدستیها و همه‌ی این دشمنیها، یکجا محکوم به شکست است.^۱

از همه چیزها بالاتر وبا ارزشتر

در یک نظام اجتماعی، عدل از همه‌ی چیزها بالاتر و باارزشتر است. عدالت، هدف تشکیل نظامهای الهی و فرستادن پیامبران خداست. عدالت، از بین رفتن تبعیض و فقر و جهل و محرومیت و نادانیهای نفوذ و رسوب کرده در اذهان بخشی از مردم در گوشه و کنار کشور، چیزهایی است که باید انجام گیرد. ما اگر سازندگی را باز هم پیش ببریم، اما در جهت استقرار عدالت و از بین بردن تبعیض و ایجاد برابری حقوق و احیای کرامت زن و مرد مسلمان فعالیتی نکنیم، موفقیتی به دست نیاورده‌ایم. موفقیت، آن وقتی است که بتوانیم معنویت و دین و اخلاق و عدالت و معرفت و سواد و تواناییهای گوناگون را در میان جامعه مستقر کنیم.^۲

^۱ بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۶/۰۱/۰۱

^۲ بیانات در اجتماع بزرگ مردم اهواز ۱۳۷۵/۱۲/۱۸

دین همراه با قدرست

دین اگر با قدرت همراه شود، خواهد توانست گسترش و بسط پیدا کند؛ اهداف و آرزوهای دینی را تحقق ببخشد و آرمانهایی را که دین شعار آنها را می‌داده است، در جامعه به وجود آورد. اینها بدون قدرت امکان ندارد؛ با قدرت ممکن است. مثلاً شما خیال می‌کنید عدالت اجتماعی را در جامعه، می‌شود با نصیحت، توصیه، التماس و خواهش به وجود آورد؟! عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و کمک برای استقرار تساوی در قانون را مگر می‌شود بدون قدرت، در سطح داخل جامعه - به یک صورت - و در سطح جهان - به صورت دیگر به وجود آورد؟!^۱

عدل اجتماعی

عدالت اجتماعی، یعنی نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت، نسبت به آحاد مردم یکسان باشد. در مقابل قانون، امتیازات و برخوردها یکسان باشد. البته انسان با یکی دوست و خویشاوند است؛ لذا ارتباطات با همه، به یک صورت نیست. آن کسانی که در جایی مسؤولیتی دارند - مسؤول یک اداره یا یک میز، فرقی نمی‌کند. مسؤولیت یک ناحیه‌ی کوچک، یا مسؤولیتهای بزرگ، همه مثل هم است - می‌دانند که بالاخره انسان با یکی آشنا و با یکی آشنا نیست. نمی‌خواهیم این را بگوییم. منظور ما برخورد و رفتار قانونی است. آن جایی که پای امتیازات به میان می‌آید و حرکت و نگاه و اشاره، از سوی این مسؤول، منشأ اثر می‌شود، این‌جا باید یکسان باشد. همه باید احساس کنند که به طور یکسان از خیرات نظام اسلامی بهره‌مند می‌شوند. البته بعضیها تنبند و دنبال کار نمی‌روند؛ بعضیها کوتاهی می‌کنند؛ بعضی به خودشان ظلم می‌کنند؛ حساب آنها جداست. اما معنای عدل اجتماعی این است که قانون، مقررات و رفتارها نسبت به

^۱ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۵/۰۹/۱۹

همه‌ی افراد جامعه یکسان باشد و کسی امتیاز ویژه‌ای بدون دلیل نداشته باشد. این معنای عدل اجتماعی است.^۱

درماندن در اولیات زندگی

این، یک اصل هم هست که مردم بایستی در کارهای دولت، سهیم، شریک، همکار و مباشر کار باشند؛ لیکن نکته‌ی اساسی که در این جا وجود دارد، این است که نوع دخالت مردم، نباید منجر به این شود که بعضی از قشرهای مردم یا بعضی از افراد زرتنگ در میان مردم، سودهای کلان و بادآورده ببرند؛ در حالی که عده‌ی دیگری از مردم، در اولیات زندگی در بمانند. یعنی همان مسأله‌ی اساسی عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه‌ی قشرها در بخشهای مختلف، باید مورد توجه قرار گیرد. الان در بخشهای مختلف کشور، دولت در وزارتخانه‌های مختلف، یا طبق قانون، یا طبق سیاستهایی که در این وزارتخانه‌ی خاص وجود دارد - که خوب هم هست و ایرادی ندارد - هر کدام به نحوی مسائلشان را با مردم، هماهنگ و متوازن می‌کنند؛ لیکن حتما باید توجه کنید که از قبل امکانات و موجودی دولت - که متعلق به همه‌ی مردم است - این طور نشود که ثروتهای بادآورده‌ای به وجود آید و در مقابل، همچنان که لازمه‌ی وجود ثروت بادآورده در کشور است، عده‌ای محروم بمانند.^۲

زندگی بدون عدالت

زندگی انسان بدون عدالت، همان چیزی است که شما در زشت‌ترین چهره‌های تاریخ بشر مشاهده می‌کنید. امروز هم در گوشه و کنار دنیا مشاهده می‌شود. همه‌ی بدبختیهایی که شما در جوامع مختلف می‌بینید، ناشی از ظلم و بی‌عدالتی است. ممکن

^۱ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و کارگزاران نظام ۱۳۷۵/۰۹/۰۵.

^۲ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۱۳۷۵/۰۶/۰۸.

است ظاهر امور، این را نشان ندهد؛ اما باطن قضیه، این است. اگر شما می‌بینید در گوشه‌ای از عالم، کودکان از بی‌غذایی جان خود را از دست می‌دهند، ظاهر قضیه این است که به دلیل نیامدن باران، خشکسالی شده است؛ اما باطن قضیه، چیز دیگری است. باطن قضیه، بی‌عدالتی است. اگر عدالت از نسلهای گذشته بر آن جامعه حکمفرما بود و چنانچه عدالت بر محیط زندگی بشر حکمفرما بود، انسان می‌توانست در سایه‌ی استقرار عدالت، محیط زندگی خود را طوری بسازد که برای او قابل زیست باشد و فرزند او به آن فلاکت نیفتد و زندگی، این قدر زشت و دردآور نشود. در اثر بی‌عدالتی، انسانیت دچار این بیماریها و دردهاست.

اولین هدف همه‌ی انبیا، در کنار آن ذکر، تأمین عدالت است. این دو هدف اصلی است. البته یکی اصلی‌تر است و آن، همان موضوع تذکر است. آن، ریشه‌ای و اساس قضیه است. اگر غفلت بیاید، چیزی عاید نخواهد شد و عدالت هم به‌وجود نمی‌آید. لذا، شما دیدید آن نظامها و کسانی که مدعی عدالت اجتماعی بودند، نتوانستند چیزی از نوع عدالت، به مردم جوامع خودشان هدیه کنند. چرا؛ چیزهای دیگر دادند! فضاوردی به آنها دادند، موشکهای قاره‌پیما برایشان ساختند؛ اما عدالت اجتماعی را نتوانستند مستقر کنند! عدالت اجتماعی، در سایه‌ی اصلاح انسان، نفوس و بواطن و در سایه‌ی توجه به خدا و ذکر، حاصل خواهد شد. این دو، هدف پیغمبر است و توانست آنها را محقق کند؛ ولو در دایره‌ای محدود.

او جامعه‌ای به وجود آورد متذکر، آگاه و برخوردار از حد اعلای عدالت اجتماعی. ممکن بود در گوشه‌ای از آن جامعه، کسی به کسی ظلم بکند؛ اما این، ملاک فقدان عدالت اجتماعی نیست. ملاک وجود و عدم عدالت اجتماعی، استقرار حاکمانه‌ی عدالت اجتماعی است. در جامعه‌ای که قانون و حکمروایی عادلانه است، حکمران عادل است و نیت، نیت عدالت است، حرکت عمومی به سمت عدالت اجتماعی است. ممکن است دیر یا زود این راه طی شود و مدتی طول بکشد؛ اما بالاخره به عدالت اجتماعی خواهد

رسید. چنین وضعیتی را پیغمبر اکرم به وجود آورد. کمترین بی‌عدالتی راه آن بزرگوار برنتافت و نپذیرفت. الگو نشان داد، که البته ما پس از حیات مبارک نبی اکرم، آثار آن تربیت را تا مدت‌ها در جوامع اسلامی دیدیم و باز در دوران امیرالمؤمنین علیه‌السلام، همان عدالت مطلق را در شخص حاکم مطهر و بزرگوار دنیای اسلام در آن زمان، مشاهده کردیم.^۱

قسط اجتماعی

اساس جامعه‌ی نظام جمهوری اسلامی، «لیقوم الناس بالقسط» است. هدف، عدالت و قسط اجتماعی است. جامعه، زمانی به صلاح، آبادانی، عمران و نجات حقیقی خواهد رسید که این تأمین شود.

نظام‌های سرمایه‌داری در دنیا، دنبال آبادی، عمران و پیشرفت علم و صنعت در کشورهایشان رفتند؛ بدون این که به اصل عدالت اجتماعی، اهتمام قابل‌اعتنایی داشته باشند. البته خیلی از آن هدف‌ها را توانستند کسب کنند؛ مانند کسب علم، زندگی راحت، فناوری پیشرفته، زندگی لوکس و کسب قدرت نظامی. اینها به‌دست آمد و این هم وعده‌ی الهی است. خداوند متعال وعده فرموده است که هر ملتی، چنانچه به‌طور جدی به دنبال هر هدفی حرکت کند، به آن هدف خواهد رسید. در این، شک نیست. آنهایی هم که به‌طور جدی حرکت کردند، به همان مقدار، به این ظواهر زندگی؛ یعنی به ثروت جامعه، قدرت نظامی و قدرت و پیشرفت علمی رسیدند؛ اما در زندگی‌شان، سعادت‌مند نشدند. در آن کشورها، دردهای بشریت، تمام نشده است. ثروتی که در آن جامعه هست، عده‌ای از افراد جامعه را برخوردار کرده است؛ اما نتوانسته‌اند تبعیض را برطرف و عدالت اجتماعی را برقرار کنند. حتی برای کسانی هم که از زندگی راحت برخوردارند، نتوانستند راحتی حقیقی، آرامش روحی و زندگی خوش به‌وجود آورند. آب خوش از گلویشان پایین

^۱ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۴/۰۹/۲۹

نمی‌رود. انواع و اقسام گرفتاریها، گریبان آنها را گرفته است. البته بعضی از گرفتاریها فوری ظاهر می‌شود و بعضی بعد از مدتی ظاهر می‌گردد، که اکنون وقت ظاهر شدن گرفتاریهای آنهاست. دنیای غرب، ممکن است بیست تا چهل سال پیش این‌طور نبوده است؛ اما اکنون گرفتاریهای زندگی مادی، گریبان آن را گرفته است. دلیل آن، این است که به معنویت و عدالت اجتماعی توجه نکرده است^۱.

تشکیل جامعه عادلانه

ما، بحمدالله چیزی کم نداریم. من هیچ اعتقادی به این معنا ندارم که جمهوری اسلامی از رسیدن به خواسته‌اش که تشکیل یک جامعه بر اساس عدالت اجتماعی و رفاه عمومی است، ناتوان است. من به هیچ وجه به این اعتقاد ندارم. به این‌که ما در این قضیه نیاز به تکیه‌ی به دیگران داریم هم اصلاً اعتقادی ندارم. البته مراوده با دیگران، استفاده از دیگران، همکاری با دیگران و داد و ستد با دیگران، همیشه خوب است؛ در همه‌ی سطوح خوب است. البته با حدود و ثغوری که قانون و سیاستهای کشور و تدبیر مدیران بالا مشخص می‌کند. لکن تکیه نه! اتکا و استناد و ناتوانی بدون آن؛ چنین چیزی را من اعتقاد ندارم. اساس اداره‌ی تشکیلات کشور نیز همین است که بارها تکرار شده: عدالت اجتماعی. در تمام آثار دینی که شما نگاه می‌کنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه‌ی اسلامی، تشکیل جامعه‌ی عادلانه است. راجع به امام زمان این‌همه اثر هست و در اغلب اینها گفته می‌شود که آن بزرگوار تشریف بیاورند تا این‌که جهان را پر از عدل کنند. بیش از آنچه که گفته شده «پر از دین حق کنند» گفته شده «پر از عدالت کنند». یعنی آن‌چه که در درجه‌ی اول مطرح است، «عدالت» است که باید انجام گیرد^۲.

^۱ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۴/۰۹/۲۹

^۲ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۷۲/۰۶/۰۳

اساس در نظام اسلامی، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. فرق عمده‌ی ما با نظامهای سرمایه‌داری همین است.

در نظامهای سرمایه‌داری، اساس، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و ازدیاد و تولید ثروت است. هر که بیشتر و بهتر تولید ثروت کند، او مقدم است. آن‌جا مسأله این نیست که تبعیض یا فاصله پیش آید. فاصله در درآمدها و نداشتن رفاه جمع کثیری از مردم، نگرانی نظام سرمایه‌داری نیست. در نظام سرمایه‌داری، حتی تدابیری که ثروت را تقسیم کند، از نظر نظام سرمایه‌داری، تدابیر منفی و مردودی است. نظام سرمایه‌داری می‌گوید: «معنی ندارد که ما بگوییم ثروت جمع کنید تا آن را از شما بگیریم تقسیم کنیم! این معنی ندارد. این که شکوفایی نخواهد شد!» نظام اسلامی این‌گونه نیست. نظام اسلامی معتقد به یک جامعه‌ی ثروتمند است، نه یک جامعه‌ی فقیر و عقب‌مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی، مسأله‌ی اول نیست. آنچه در درجه‌ی اول است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هر کس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه که عمومی است مثل فرصتها و امکانات متعلق به همه‌ی کشور است و باید در اینها تبعیضی وجود نداشته باشد^۱.

دگرگونی اخلاقی

عدالت اجتماعی، یک اصل است. یک هدف اصلی و والاست. اما عدالت اجتماعی، در صورتی در جامعه تامین می‌شود که افراد در جامعه تربیت شده باشند؛ ظلم نکنند و زیر بار ظلم نروند.

^۱ بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری ۱۳۷۲/۰۵/۱۲

جامعه‌ی ما، به برکت انقلاب، اخلاقش به سمت اخلاق الهی، گردش قابل توجهی کرد؛ اگرچه این گردش کامل نیست و باید باز هم ادامه پیدا کند. این جوانان را دیدید در جنگ چه کردند؟! این پدران و مادران را دیدید چگونه از عزیزان خود، برای خدا و قرآن و دین گذشتند؟! این انسانها را دیدید چگونه از ثروت شخصی خودشان زنان از طلای خودشان، مردان از دسترنج خودشان برای خاطر مصالح عمومی، برای جنگ، برای حل مشکلات کشور، برای سیل و زلزله‌ی فلان‌جا، صرف نظر کردند؟! اینها گردش به سمت اخلاق اسلامی است. قبل از انقلاب این چیزها بود؛ اما در مقیاسهای بسیار کوتاه و کوچک، عمومی نبود. مواظب باشید که این حرکت به سمت اخلاق اسلامی، ادامه پیدا کند. اگر این‌گونه شود، جامعه‌ی ما از عدالت اجتماعی برخوردار خواهد شد.

عدالت اجتماعی، به مقدار زیادی وابسته به اخلاق است. البته بخش عمده‌ی آن مربوط به مقررات و قوانین جامعه است. اما مقررات و قوانین، بدون این که افراد از اخلاق الهی و اسلامی برخوردار باشند، چندان کارساز نیست. امروز در جامعه‌ی ما، هستند کسانی که درآمدهای زیادی دارند. حال یا تخصص آنها تخصص مورد نیازی است، یا افراد کمی آن تخصص را دارند. به هر جهت و به هر دلیل، درآمدهای زیادی دارند. آیا این همه درآمد را باید صرف خودشان کنند؟ این اخلاق مادی است. این اخلاق شیطنی است. به تعبیر درست‌تر، این اخلاق حیوانی است. حیوان هرچه دارد، مال شخص خودش است. اخلاق انسانی و بخصوص آن اخلاق والای اسلامی، این طور حکم نمی‌کند. آنچه شما دارید، باید پس از آن که نیاز ضروری خودتان را تأمین کردید و خواسته‌های خودتان را عمل نمودید، برای بقیه‌ی انسانهایی که در آن جامعه هستند صرف شود. همسایه‌ی شما اگر نیازی دارد، صرف او شود. خویشاوند شما اگر نیازی دارد، صرف او شود. فرض کنید امروز در جامعه‌ی ما، مدرسه‌سازی یک مسأله‌ی مهم است. ساختن فضاهای آموزشی، یا همین رسیدگی به عقب‌افتاده‌ها و معلولین جسمی و ذهنی، یک کار مهم است. کسانی که امکان مالی دارند، بسیار شایسته است و از لحاظ

اخلاقی یک فریضه است که بخشی از ثروت خودشان را برای اینها صرف کنند. این، همان دگرگونی اخلاقی است.

اگر اخلاق در جامعه تأمین شد، عدالت اجتماعی تأمین می‌شود؛ جامعه آباد می‌شود و انسانها در بهشت زندگی می‌کنند؛ ولو در همین دنیا^۱.

هدف اصلی در کشور

آنچه که من به برنامه‌ریزان و مسؤولین دولتی مؤکداً سفارش می‌کنم، این است که در این برنامه توجه کنند که هدف اصلی، کمک به طبقات محروم جامعه باشد. این، چیزی است که ما را به «عدالت اجتماعی» نزدیک می‌کند. هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه‌ی آن است. ما نمی‌خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه‌ی این سازندگی یا نتیجه‌ی رونق اقتصادی، این باشد که عده‌ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده‌ای فقیرتر شوند. این، به هیچ‌وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می‌خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه‌ی محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله‌ی بین فقیر و غنی، روزه‌روز کمتر شود. این، هدف اصلی است. باید این را در برنامه مورد نظر قرار دهند^۲.

^۱ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۲۳/۰۴/۱۳۷۲

^۲ پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی ۰۱/۰۱/۱۳۷۲

موازنه صحیح

در قلمرو حیات اجتماعی، چیزی که به‌عنوان هدف معین شده است، عدالت اجتماعی است. «لیقوم الناس بالقسط». «قسط» با «عدل» فرق می‌کند. عدل یک معنای عام است. عدل همان معنای والا و برجسته‌ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه‌ی حوادث دنیا وجود دارد. یعنی یک موازنه‌ی صحیح. عدل این است. یعنی رفتار صحیح؛ موازنه‌ی صحیح؛ معتدل بودن و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن. این، معنای عدل است. لکن قسط، آن‌طور که انسان می‌فهمد، همین عدل در مناسبات اجتماعی است. یعنی آن چیزی که ما امروز از آن به «عدالت اجتماعی» تعبیر می‌کنیم. این، غیر از آن عدل به معنای کلی است. انبیا اگر چه حرکت کلی‌شان به سمت آن عدالت به معنای کلی است - «بالعدل قامت السموات و الارض»؛ آسمانها هم با همان اعتدال و عدالت و میزان بودن سر پا هستند - اما آن چیزی که فعلا برای بشر مسأله است و او تشنه‌ی آن است و با کمتر از آن نمی‌تواند زندگی کند، قسط است. قسط یعنی این که عدل، خرد شود و به شکل عدالت اجتماعی در آید. «لیقوم الناس بالقسط». انبیا برای این آمدند^۱.

نقش محوری

نقش محوری دادن به نجات محرومین و تأمین عدالت اجتماعی. همیشه، مردم در چشم امام، «اصل» بودند. در منطق و در خط حکومتی امام امت، محرومان و مستضعفان محور تصمیم‌گیریه‌ها محسوب می‌شدند و همه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و امثال آن، بر محور نجات محرومین از محرومیتها بود^۲.

^۱ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۱/۱۱/۰۱

^۲ بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۱/۰۳/۱۴

انبیا آمدند تا ...

انبیا آمدند تا چنین جامعه‌ای را به وجود آورند. اگر جامعه‌ای که انسانها و مردمش درست می‌اندیشند و عمل می‌کنند، دارای رحم و مروتند، دارای احساس مسؤولیت در پیش خدای بزرگند، دارای احساس معنویتند، غرق در ماده نیستند و همه چیز را برای خود نمی‌خواهند؛ قدرت و رفاه مادی بیابند، آن پول و قدرت و آن پیشرفت و رفاه مادی، برای همه‌ی انسانهای دنیا، خیر به وجود می‌آورد. همان‌طور که در صدر اسلام، اسلام آمد و چراغ علم و معنویت را در دنیا روشن کرد. اسلام آمد و به همان اندازه که جوامع فاتح صدر اسلام از معنویات برخوردار بودند، عدالت اجتماعی را در سطح عظیمی از دنیا مستقر کرد و در سطح دنیا به تربیت انسانها پرداخت^۱.

تصدیق دنیا

ما باید مملکت خودمان - این سرزمین اسلامی - را از جهت مادی و معنوی، آن‌چنان بسازیم و آباد کنیم که همه‌ی ملت‌های دنیا تصدیق کنند که اسلام، قادر به سازندگی یک ملت و یک کشور به بهترین وجه است. باید عدالت اجتماعی در این کشور، به همان شکل اسلامی کامل، استقرار پیدا کند. امروز هم خیلی پیش رفتیم و خیلی از دست‌های ظالم کوتاه شده؛ لیکن باز هم راه‌هایی در مقابلمان داریم^۲.

ترجیح پابرهنگان

آنچه که امروز متن جامعه‌ی ماست، همان خط و راه امام است. آنچه که ما آن را به صلاح دین و دنیای خودمان می‌دانیم، همان چیزی است که با انگشت اشاره‌ی امام در مقابل ما باز شده و قدم در آن گذاشتیم و یازده سال با قدرت در آن حرکت کردیم و

^۱ بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۵/۰۱/۱۳۷۱

^۲ بیانات در دیدار جمعی از آزادگان ۰۵/۰۶/۱۳۶۹

باز هم تا جان در بدن داریم، آن راه را ادامه خواهیم داد. از هیچیک از آرمانهایی که به وسیله‌ی امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) ترسیم شده، چشم‌پوشی نخواهیم کرد؛ چه در زمینه‌ی مسائل داخلی، چه در زمینه‌ی عدالت اجتماعی، چه در زمینه‌ی ترجیح پابرهنگان در نظام اسلامی و در کشور ما و نیز ترجیح منافع و خواستها و انگیزه‌ها و احساسات آنها بر مرفهان - و به تعبیر امام، مرفهان بی‌درد^۱ -

اعتقاد راسخ و عمل پیگیر

فوریترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه‌ی قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا، و محرومین، در سرلوحه‌ی برنامه‌های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است. و از همین جاست که ادعای سلاطین و حکامی که با وجود داعیه‌ی مسلمانی و شعار پیروی از قرآن، راه دیگر جباران را پیموده و فاصله‌ی فقیر و غنی را بیشتر کرده و خود در صف اغنیا قرار گرفته و از درد فقرا و پابرهنگان غافل مانده‌اند، چه در تاریخ و چه در زمان حاضر، همواره از سوی هوشمندان آشنا به معارف قرآن و اسلام، مردود دانسته شده است.^۲

^۱ بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹/۰۵/۰۱

^۲ پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

مهم ترین عنصر در بنای جامعه

مظهر عدل پروردگار، امام زمان(عج) است و می‌دانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان(علیه‌الصلوة‌والسلام) - که در دعاها و زیارات و روایات آمده است - عدالت می‌باشد: «یما للّٰه به الارض قسّطا و عدلا». ما باید امروز جامعه را جامعه‌ی عدالت بکنیم. در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهمتر است. عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است. عدالت، یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی این که برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت، به معنای این است که کسانی که در زیر سایه‌ی سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم ماندند، به حقوقشان برسند. عدالت، یعنی این که عده‌ی خاصی برای خودشان حق ویژه‌ی قابل نباشند. عدالت، یعنی این که حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقلهای مادی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه‌ی کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است.^۱

پیامبران آمدند تا ...

در محیط سیاست داخلی، یکی از چیزهایی که لازم است، «عدالت اجتماعی» است. بدون تأمین عدالت اجتماعی، جامعه‌ی ما اسلامی نخواهد بود. اگر کسی تصور کند که ممکن است دین الهی و واقعی - نه فقط دین اسلام - تحقق پیدا کند، ولی در آن عدل اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن تحقق پیدا نکرده باشد، باید بداند که اشتباه می‌کند. هدف پیامبران، اقامه‌ی قسط است: «لیقوم الناس بالقسط». اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه‌ی قسط کنند. البته، اقامه‌ی قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی

^۱ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز پانزدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۶۹/۰۱/۲۲

نیست؛ لیکن آنها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه‌ی قسط کنند و مردم را از شر ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولی‌عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در آخر زمان هم باز همین عدل است.^۱

اولین ارزش در نظام ما

هدف بزرگ پیامبران و هدف قیام ولی‌عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) تأمین عدالت اجتماعی است. اولین ارزش در نظام ما از لحاظ عملی، باید تأمین عدالت اجتماعی باشد. این مهم باید در تمام برنامه‌ریزیها و عملها و امثال آن، مورد توجه قرار گیرد.^۲

مبارزه با فقر

مبارزه با فقر، غیر از تأمین عدالت اجتماعی است. نباید این دو را یکسان تلقی کرد. عدالت اجتماعی، یعنی استقرار عدل در جامعه و از بین رفتن هرگونه تبعیض، یک ارزش بالاتر و یک مسأله‌ی دیگر است. البته این را هم بگوییم که از بین بردن آن سه دشمن و یا تأمین عدالت اجتماعی، همه در محور تعالیم اسلام است.^۳

راه تعالیم اسلام

ما فقط از راه تعالیم اسلام می‌توانیم فقر را برطرف کنیم، عدالت اجتماعی را مستقر کنیم، امنیت را ایجاد کنیم و بی‌سوادى را ریشه‌کن نماییم. بدون اسلام نمی‌توانیم به این اهداف برسیم و مقاصدمان برآورده نخواهد شد.^۴

^۱ بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۹/۱۱/۱۳۶۸

^۲ بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۹/۱۱/۱۳۶۸

^۳ بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۹/۱۱/۱۳۶۸

^۴ بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۹/۱۱/۱۳۶۸

مسائل داخلی و سازندگی

البته، در مسائل داخلی و سازندگی، رفاه و رفع مشکلات و ایجاد سازندگی، تنها هدف نیست. در مسائل داخلی هم، تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی و رعایت طبقات ضعیف و محروم، یک رکن اصلی است؛ همچنان که در سطح حرکت عمومی کشور، اخلاق و روحیات اسلامی و برادری و گذشت و ایثار و بقیه‌ی خلیقات حسنه‌ی اسلامی هم، باید مورد توجه قرار بگیرد^۱.

وفادارترین مدافعان انقلاب

در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشوری نمونه که در آن، رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزشهای اخلاقی اسلام تأمین شود. هریک از این چهار رکن اصلی، ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور آن از مراحل گوناگون ممکن نخواهد شد. رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه‌ی مصرف‌گرایی نیست - که خود، یکی از سوغاتهای شوم فرهنگ غرب است - بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعدادهای ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی رخت بریندد. عدالت اجتماعی، بدین معنی است که فاصله‌ی ژرف میان طبقات و برخورداریهای نابحق و محرومیتها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئنترین و وفادارترین مدافعان انقلابند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد. با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و

^۱ بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری ۱۳۶۸/۰۵/۱۲

دست‌اندازی به حیطه‌ی مشروع زندگی مردم جمع شود. همه کس احساس کند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجأ مطمئن پناه برد، و همه کس بداند که با کار و تلاش خود خواهد توانست زندگی مطلوبی فراهم آورد.^۱

ارزش‌های اسلامی

اگر جنگ هشت‌ساله را بر ما تحمیل کردند، به خاطر این بود که ما دیرتر به بازسازی کشور و زنده کردن زمینه‌های عمران بپردازیم. استعمار و استکبار می‌دانند که اگر ملت ما به کمک مسؤولان و گردانندگان و مدیران دلسوز کشور بتواند ایرانی آباد و آزاد بسازد و آحاد جامعه را کاملاً مرفه و برخوردار از عدالت اجتماعی و سایر ارزشهای اسلامی کند و در زیر چتر شریعت مقدسه‌ی اسلام نگهدارد، در آن صورت انقلاب بزرگ و شکوهمند ما به خودی خود و بدون آن که کسی تلاش کند، به همه‌ی کشورهای اسلامی صادر خواهد شد و الگوی دیگران قرار خواهد گرفت.^۲

^۱ پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره) ۲۳/۰۴/۱۳۶۸

^۲ بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم ۱۸/۰۴/۱۳۶۸

عدالت و پیشرفت

پامال کردن فقرا

در مورد اقتصاد، اعتقاد ما این است که پیشرفت اقتصاد کشور، باید همراه با عدالت باشد؛ ما اقتصاد منهای عدالت را قبول نداریم؛ یعنی انقلاب قبول ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی قبول ندارد. باید مراقبت بکنید که فاصله‌ی طبقاتی پیش نیاید؛ فقرا پامال نشوند؛ اینها جزو مسائل اساسی در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی ما است که بعد به اقتصاد مقاومتی اشاره خواهیم کرد؛ همین مسئله‌ی عدالت و تأمین حداقل‌ها در سیاستهای اقتصاد مقاومتی دیده شده^۱.

آن چیزی نیست که اسلام می خواهد

اما عدالت. پیشرفت اگر با عدالت همراه نباشد، پیشرفت مورد نظر اسلام نیست. اینی که ما تولید ناخالص ملی را، درآمد عمومی کشور را به یک رقم بالائی برسانیم، اما در داخل کشور تبعیض باشد، نابرابری باشد، عده‌ای آلف و الوف برای خودشان داشته باشند، عده‌ای در فقر و محرومیت زندگی کنند، این آن چیزی نیست که اسلام میخواهد؛ این آن پیشرفتی نیست که مورد نظر اسلام باشد. باید عدالت تأمین بشود. عدالت هم یک واژه‌ی بسیار عمیق و وسیعی است که بایستی خطوط اصلی آن را جستجو و پیدا کرد. به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیائی است. اینچور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره دهی از مرکز دور است، در یک نقطه‌ی دور جغرافیائی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آنجائی که نزدیک است، برخوردار باشد؛ این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیائی باید برداشته شود، هم برابری در

^۱ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

استفاده‌ی از امکانات و فرصتها باید به وجود بیاید. همه‌ی آحاد کشور، آن کسانی که استعداد دارند، آن کسانی که امکان دارند، بتوانند از امکانات عمومی کشور استفاده کنند. اینجور نباشد که نورچشمی‌ها مقدم باشند و افراد متقلب و خدعه‌گر جلو بیفتند. کاری کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات کشور، از فرصت برابر استفاده کنند. البته اینها آرزوهای بزرگی است، لیکن دست‌یافتنی است؛ دست‌نیافتنی نیست. اگر تلاش کنیم و کار کنیم، میتوانیم به آن برسیم. سخت است، اما شدنی است^۱.

همه‌گیری برخورداری

در نظامهای مادی آبادی وجود دارد؛ یعنی قدر مطلق پیشرفتهای مادی خوب است؛ اما در مورد همان پیشرفتهای مادی هم تعادل و نگاه عادلانه وجود ندارد. یعنی شما الان مثلاً می‌بینید که در کشور ثروتمندی مثل آمریکا، ثروتمندش اولین ثروتمند دنیاست، لیکن فقیرش هم گاهی بدترین فقیر دنیاست؛ از سرما میمیرد، از گرما میمیرد، از گرسنگی میمیرد. طبقه‌ی متوسطی در آنجا زندگی میکنند که اگر شبانه‌روز، تمام‌وقت، با همه‌ی توان کار نکنند، نمیتوانند شکمشان را سیر کنند. این برای بشر خوشبختی نیست، این برای یک جامعه خوشبختی نیست. بله، تولید ناخالص داخلی‌اش را نگاه کنی، ده برابر یک کشور دیگر است؛ این که دلیل نشد. یعنی حتی در برخورداری‌های مادی هم عدالت نیست، همه‌گیری نیست؛ یعنی همه برخوردار نیستند^۲.

یکسان بودن فرصت‌ها

کشور ما از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد. از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه‌ی اقتصاد و بقیه‌ی موارد، ارتباط مردم

^۱ بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا ۱۳۸۸/۰۷/۰۱

^۲ بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۸۷/۰۷/۰۷

با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده‌ی پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکفد. همه‌ی انسانها بتوانند در آن با توان خداداده‌ی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصتهاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصتهای حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه‌ی عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند^۱.

طعم شیرین خدمت

کاری کنند که مردم طعم شیرین خدماتی را که در کشور انجام می‌گیرد، بچشند؛ در هیچ نقطه‌یی از کشور فقر نباشد - عدالت برقرار باشد - فساد نباشد و افراد مفسد از دستگاه‌های تصمیم‌گیر طرد شوند و امکان دخالت پیدا نکنند؛ اینها چیزهایی است که ما باید مورد توجه قرار دهیم. مطمئن باشید وقتی نیت من و شما خیر باشد و بخواهیم برای خدا کار کنیم و از خدای متعال کمک بخواهیم و آنچه در وسع داریم، انجام دهیم، یقیناً خدای متعال نتیجه‌ی شیرین را لطف خواهد کرد و به حول و قوه‌ی الهی در این آزمایش بزرگ هم ملت ایران سرافراز بیرون خواهد آمد^۲.

این تجربه را شروع کردیم

آرمان‌گرایی جوان ایرانی ما عبارت است از ترسیم آینده‌یی با این خصوصیات. ما نظام و کشوری می‌خواهیم که پیشرفته باشد و مردم آن دانشمند و بیدار و زنده باشند؛ غفلت‌زده و خواب‌آلوده نباشند؛ کشور برخوردار از عدالت باشد؛ مبرای از فساد باشد؛

^۱ بیانات در دیدار مردم شاهرود ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

^۲ بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۱۳۸۴/۰۳/۰۳

طبقه‌ی اشراف بر آن حاکمیت نداشته باشد - چه اشراف سنتی، چه طبقه‌ی جدیدی که ممکن است اسمشان اشراف نباشد، اما در واقع اشراف باشند و به قول آقایان از رانت‌های گوناگون اقتصادی استفاده کنند - برخوردار از قدرت و استحکام سیاسی باشد؛ و همه‌ی اینها الهام گرفته‌ی از معارف دین و اسلام عزیز باشد. اسلام این ظرفیت را دارد که اینها را به ما تعلیم دهد. ما این تجربه را شروع کرده‌ایم^۱

حیات طیبه اسلامی

حیات طیبه‌ی اسلامی شامل دنیا و آخرت - هر دو - است. مسأله این است که زندگی دنیوی - که به سمت اهداف الهی حرکت می‌کند - باید زندگانی حقیقی و راستین عادلانه را برای مردم تأمین کند. در اسلام، عدالت مسأله‌ی بسیار مهمی است. ارزشی که از نظر اسلام به‌هیچ‌وجه و در هیچ شرایطی مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد، عدالت است. عدالت، هدف پیغمبران است؛ هدف انقلاب اسلامی هم بوده است. در سایه‌ی عدالت، زندگی مردم می‌تواند با رفاه و توسعه‌ی مادی به سمت اهداف معنوی هم حرکت کند.

ملت ایران در راه ایجاد جامعه‌ی عادلانه مبارزه و تلاش کرد. نظام مقدس جمهوری اسلامی هدف اصلی خود را ایجاد جامعه‌ی عادلانه قرار داده؛ عدالت با تعریف اسلامی؛ عدالت، همان‌گونه که اسلام معرفی کرده است؛ بدون انحراف به چپ و راست؛ یعنی صراط مستقیم الهی.

در این راه، ما پیشرفت‌های قابل توجهی کرده‌ایم؛ اما برای استقرار نظام عادلانه‌ی اسلامی هنوز باید تلاش شود. مهمترین وظیفه‌ی مسؤولان کشور این است که در جامعه عدالت را معنا ببخشند تا مردم عدالت را احساس کنند؛ عدالت در قانون، عدالت در قضا، عدالت در تقسیم منابع حیاتی کشور، عدالت در برخورداری‌ها و دسترسی‌های

^۱ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان ۱۹/۰۲/۱۳۸۴

همه‌ی افراد به امکانات کشور. کشور ما امکانات زیادی دارد؛ این امکانات می‌تواند یک جامعه‌ی مرفه و پیشرفته و توسعه‌یافته را برای ملت ایران ایجاد کند؛ منتها شرط اصلی این است که در استفاده‌ی از این منابع، عدالت رعایت شود. نظام جمهوری اسلامی پرچم عدالت را بلند کرده است؛ مردم هم مجذوب همین شعار بسیار مهم و اساسی هستند. نظام جمهوری اسلامی موظف است در همه‌ی مراحل عدالت را تأمین کند و مردم نقاط مختلف کشور و قشرهای گوناگون جامعه را از منابع حیاتی کشور برخوردار سازد. این، وظیفه‌ی اساسی است.

مسئولان کشور در رده‌های مختلف - در سطح کشور، در سطح استان‌ها و شهرها - موظفند عدالت را رعایت کنند و طبقات محروم را همواره مورد توجه قرار دهند. این خطاست اگر خیال کنیم اسلام با پیشرفت و توسعه و رفاه مادی جامعه مخالف است؛ به هیچ‌وجه این‌طور نیست. جامعه‌ی که در آن، پیشرفت علمی و عملی، پیشرفت فناوری و پیشرفت دنیایی مردم وجود داشته باشد؛ اسلام این را برای پیروان خود می‌پسندد. تشویق اسلام به علم و عمل و تلاش و فعالیت، از همین جهت است. سنت الهی بر این قرار گرفته است که هر ملتی تلاش و کار کند، بدون تردید نتیجه‌ی آن را خواهد دید. بنابراین اسلام حیات مادی مردم را هم تأمین می‌کند؛ منتها غرق شدن در حیات مادی، فراموش کردن ارزش‌های معنوی، ایجاد شکاف بین طبقات جامعه، و فاصله انداختن بین قشرهای مختلف مردم را نمی‌پسندد و نمی‌پذیرد؛ و این، نظام اسلامی را ممتاز کرده است.

امروز در دنیا کشورهای توسعه‌یافته بسیارند، اما در آنها عدالت وجود ندارد؛ اینها الگوی نظام جمهوری اسلامی نیستند. الگوی نظام جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی است؛ یعنی الگوی پیشرفت و توسعه و رفاه، همراه با عدالت و برادری و محبت و عطوفت

بین قشرها و پرشدن شکاف بین فقیر و غنی در جامعه. پیشرفت جامعه به این شکل که با معنویت همراه است، مورد نظر اسلام است.^۱

حاکمیت طواغیت

وظیفه‌ی همه‌ی ما اقامه‌ی قسط، اجرای عدالت، تربیت ملت و پیشرفت مادی و معنوی ملت و به تکامل رساندن کشور و نجات آن از محرومیتی است که در طول ده‌ها سال حکومت طواغیت و خارجیها بر آن تحمیل شده است. بسیاری از محرومیت‌هایی که در کشور ما وجود دارد و شما نشانه‌هایش را امروز در گوشه و کنار مشاهده می‌کنید، ناشی از حرکت عمومی طولانی است که حاکمیت طواغیت و ظلمه، مستبدان و مستأثران بر این ملت، به‌وجود آورده‌اند، که طبعاً تبعات و عواقبی دارد و رفعش مشکل است؛ اما ممکن هم است. بنده همچنان بعد از گذشت بیست‌وپنج سال، با مشاهده‌ی وضع کشور و وضع ملت، روزبه‌روز اعتقاد به توانایی نظام اسلامی بر ساختن یک جامعه‌ی شسته‌روفته‌ی رو به رشد شکوفا در همه‌ی ابعاد بیشتر شده است و معتقدم که با همین فکری که در قالب و چارچوب قانون اساسی مجسم و متجسد شده، می‌توان کشور را به رفاه و پیشرفت رساند؛ اما شرطش این است که ما کارآمدی خودمان و کارآمدی مسؤولانمان را در همه‌ی انتخابها، در همه‌ی گزینشها و در همه‌ی انتصابها حفظ کنیم.^۲

مکتب سیاسی امام

عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه‌ی برنامه‌های حکومت - در قانونگذاری، در اجرا، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکافهای طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد. این که ما بگوییم کشور

^۱ بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان ۱۸/۰۲/۱۳۸۴

^۲ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۳۱/۰۶/۱۳۸۳

را ثروتمند می‌کنیم - یعنی تولید ناخالص ملی را بالا می‌بریم - اما ثروتها در گوشه‌یی به نفع یک عده انبار شود و عده‌ی کثیری هم از مردم دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده‌ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسؤولیت ماست. همه‌ی برنامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه‌ی کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهمترین شاخصهای حرکت خود به حساب آورند.^۱

چرخه خدمت رسانی

نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می‌شناسید؛ اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان شدن چرخه‌ی خدمت رسانی، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق، مسؤولیت پذیری و پاسخگویی مسؤلان حکومتی، در شمار برجسته‌ترین این نیازها است و اینها است که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می‌سازد. نیازهای موهوم و ساخته‌ی دست تبلیغاتچی‌های بیگانه و بدخواه، نباید بجای این خواسته‌های حقیقی بنشینند.^۲

آزادی از خرافات و جهالتها

اسلام به ملت‌ها استقلال و آزادی می‌دهد؛ هم آزادی در محیط زندگی خودشان - آزادی از قدرتهای دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالتها، آزادی از تعصبات جاهلان و کج فکریها - و هم آزادی از کمند قدرت اقتصادی و فشار سیاسی استکبار. اسلام به

^۱ بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۳/۰۳/۱۴

^۲ پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۰۳/۰۶

ملتها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم می‌دهد. آن پیشرفت اقتصادی که فاصله‌ی بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. آن نسخه‌ی اقتصادی که امروز کشورهای غربی برای مردم دنیا می‌پیچند و ارائه می‌دهند که طبقاتی را مرفه می‌کند و رونق اقتصادی را بالا می‌برد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن و زیر فشار قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام می‌شود؛ این را اسلام نمی‌پسندد. رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مواسات و همراه با روح برادری، باز در سایه‌ی اسلام به دست می‌آید. امروز گرفتاریهای ملت‌های مسلمان در دنیا چیست؟ وجود قدرتهای مسیطر و مستکبری است که از آن سوی دنیا بر ملت‌های مسلمان حکم می‌رانند؛ در زندگی آنها دخالت می‌کنند؛ آنها را در فقر و ضعف و اختلاف نگه می‌دارند؛ از ثروت‌های آنها به شکل نامشروعی استفاده می‌کنند. نداشتن استقلال، نداشتن آزادی، نداشتن حیثیت انسانی، عقب ماندگی علمی و عقب ماندگی در شؤون زندگی، از دیگر گرفتاریهای ملت‌های مسلمان است. همه‌ی این گرفتاریها به برکت بازگشت به اسلام، به برکت عمل به اسلام، به برکت حاکمیت اسلام برطرف می‌شود.^۱

عدالت مطلق

آنچه که به معنای عدالت مطلق مورد نظر است، یک حرکت بلندمدت لازم دارد؛ ولی آن چیزی که من می‌خواهم به مسؤولان و به مردم عرض کنم، این نکته است که در دوران بازسازی، خطر دنیاطلبی بیشتر از همیشه است. در دوران بازسازی، ثروت‌ها انباشته می‌شود؛ چون دوران بازسازی، دوران تراکم کارها، دوران انباشت ثروت‌ها، دوران افزایش فعالیتهای اقتصادی و دورانی است که اگر کسی می‌تواند تلاشی بکند و حرکتی اقتصادی بکند، راه برای او باز است. در چنین دورانی، آدم‌هایی که اهل دنیا هستند، آدم‌هایی که دلشان در بند زخارف دنیوی است، آدم‌هایی که منافع شخصی خود را بر

^۱ پیام به گردهمایی ویژه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۷۸/۰۳/۱۲

منافع کشور و ملت و مصالح انقلاب ترجیح می‌دهند، دستشان باز است، برای این که بتوانند خدای نکرده به سمت اشرافیگری و زراندوزی و جمع مال و منال و سوءاستفاده بروند. دوران بازسازی، دوران شکوفایی و پیشرفت ملت و دوران ساختن کشور است. اما در همین حال، این دوران، دوران خطر گرایش آدمهای ضعیف به سمت اشرافیگری و تجمل و انباشت ثروت و سوءاستفاده‌ی اقتصادی است. لذا همه باید خیلی مراقب باشند؛ هم مسؤولان و هم آحاد مردم^۱.

خلاف عدالت

خدای متعال برای جامعه، غنا و ثروت خواسته است. خدای متعال از جامعه‌ی فقیر خشنود نیست و از جامعه‌ی مستمند و ملت فقیری که نمی‌تواند زندگی خود را تأمین کند، خوشش نمی‌آید. خدای متعال، برای یک جامعه، غنا و ثروت و داشتن امکانات زندگی و استخراج ذخیره‌های زیرزمینی و امثال اینها را خواسته است. اسلام، این را خواسته است. اسلام از ما خواسته است که روی زمین را آباد کنیم و به ثروت جامعه بیفزاییم. این درست؛ اما درعین حال اسلام خواسته است که در جامعه، فاصله‌ی میان دو قشر از جامعه - قشر فقیر و قشر غنی - فاصله‌ی زیاد و دره‌ی عمیقی نباشد و شکاف به وجود نیاید. این طور نباشد که در جامعه، عده‌ای دچار فقر و تنگدستی و تیره‌روزی باشند، اولیات زندگی به دست آنها نرسد؛ اما عده‌ای ثروتهای افسانه‌ای درست کنند. این را اسلام نمی‌خواهد. این، خلاف عدالت است. این، همان چیزی است که اگر در جامعه به وجود آمد و به آن میدان داده شد، آن وقت دیگر تأمین عدالت اجتماعی در جامعه، شکل افسانه‌واری به خود خواهد گرفت. دیگر نمی‌شود امیدوار بود که جامعه به عدالت اجتماعی خواهد رسید. باید جلو این را گرفت^۲.

^۱ بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۶/۰۱/۰۱

^۲ بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۶/۰۱/۰۱

در جمهوری اسلامی، عدل یک پیام شخصی نیست؛ بلکه یک نظام اجتماعی است. این‌طور نیست که هر کس فقط در محیط خود، عادلانه رفتار کند. این کافی نیست. عدل معنایش این است که باید جامعه قائم به قسط باشد. «لیقوم الناس بالقسط». قانون، عادلانه؛ اجرا، عادلانه؛ نظارت، عادلانه؛ قضاوت، عادلانه؛ تقسیم، عادلانه. این، خصوصیتی است که برای جمهوری اسلامی ارزش محسوب می‌شود. ما اگر از لحاظ مادی و سازندگی به کشورهای پیشرفته‌ی دنیا هم برسیم، کافی نیست. امروز کسانی که سرشان در حسابهای مادی و محاسباتی و از این قبیل است، تا صحبت می‌شود، می‌گویند: ما می‌خواهیم خودمان را مثل فلان کشور بسازیم. البته هر کس هم، سلیقه و نظری برای خودش دارد. اگر ما ایران را مثل کشورهای برخوردار مادی ساختیم، اما از عدالت خبری نبود، این هیچ ارزش ندارد. پیام اسلام، اقامه‌ی عدل است. قیام اسلامی در ایران، برای اقامه‌ی عدل بود. پیغمبران که آمدند، برای اقامه‌ی عدل و قسط آمدند. بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف است و می‌خواهد مهدی موعود بیاید و چشم انتظار آن حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. این است آن پیامی که انقلاب اسلامی برای دنیا دارد و خودش هم متعهد و متکفل آن است. اصل قضیه این است که اگر ما کم داشته باشیم، اما عادلانه عمل کنیم، به مراتب ترجیح دارد بر این‌که زیاد داشته باشیم و غیرعادلانه عمل کنیم.^۱

برترین گام در راه استقرار عدل

در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه‌ی تصمیم‌گیریهای اجرایی است و همه‌ی مسؤولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، تا مسؤولان بخشهای مختلف

^۱ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۱/۱۰/۱۷

اجرائی، بخصوص رده‌های سیاستگذاری و کارشناسی، و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه‌ی اخلاص، درصدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه‌ی ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدست و کم‌درآمد است که غالباً بیشترین بار نظام را در همه‌ی مراحل بردوش داشته‌اند و دارند و همواره با اخلاص و صمیمیت، از انقلاب و اسلام دفاع کرده‌اند. دفاع از قشرهای محروم - که صاحبان واقعی انقلابند - باید در رأس همه‌ی برنامه‌ریزیهای کشور و محور کلیه‌ی تحرکات اقتصادی در بخشهای مختلف آن باشد و صحت هر سیاست و برنامه‌ی اقتصادی، با چگونگی و اندازه‌ی پیشرفت در این هدف، در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، سنجیده شود.^۱

به حقوق رسیدن

مظهر عدل پروردگار، امام زمان(عج) است و می‌دانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان(علیه‌الصلاة‌والسالم) - که در دعاها و زیارات و روایات آمده است - عدالت می‌باشد: «یَمَلَأُ اللّٰهَ بِهٖ الْاَرْضَ قِسْطًا وَّ عَدْلًا». ما باید امروز جامعه را جامعه‌ی عدالت بکنیم. در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهمتر است. عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است. عدالت، یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی این‌که برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت، به معنای این است که کسانی که در زیر سایه‌ی سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم ماندند، به حقوقشان برسند. عدالت، یعنی این‌که عده‌ی خاصی برای خودشان حق ویژه‌ی قابل نباشند. عدالت، یعنی این‌که حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقلهای مادی و منحرف از

^۱ بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) ۱۳۷۰/۰۳/۱۴

معنویت، توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه‌ی کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است.^۱

تحقق زندگی عادلانه

البته، کمک به مظلومان و محرومان، شامل کمکهای فردی هم می‌شود، اما قضیه بالاتر از اینهاست؛ زیرا تحقق زندگی عادلانه به این است که کمک نظام و تشکیلات و حرکت آن، در جهت کمک به مستضعفان باشد. ما اگر در این جهت، زندگی خود را پیش بردیم و حرکت کردیم، مطمئناً خدای متعال کمک خواهد کرد و قدرتهای مادی نخواهند توانست با این طرفدها و فریبها، ملت ما را از راه پُرافتخار خود منصرف کنند و مقاومتش را بگیرند. ان شاء الله روزبه‌روز مقاومت مردم بیشتر خواهد شد.^۲

^۱ بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم ۲۲/۱۲/۱۳۶۸

^۲ بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم ۲۲/۱۲/۱۳۶۸

گفتمان عدالت

گفتمان رایج و غالب

شاید بعضیها - حتی بعضی مخلصین انقلاب، نه بیگانه‌ها و بددل‌ها؛ حتی نزدیکان - در طول بعضی از سالهای گذشته تصورشان این بود که شعارهای اصلی انقلاب؛ سربلندی اسلام، مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی مبارزه با استکبار، تلاش و مجاهدت برای رفع استضعاف از مستضعفان، دیگر روزگارش تمام شده است! بعضی البته جسارت و گستاخی کردند و همین‌ها را نوشتند و گفتند! اشتباه می‌کردند، معلوم بود؛ می‌دانستیم اشتباه می‌کنند. اما این گستاخی، دل‌ها را خراش می‌داد. امروز به همت ملت ایران، با انتخاب ملت ایران، دولتی سر کار آمده است که شعارهای اصلی انقلاب، شعارهای اساسی و اصولی اوست. گفتمان مفاهیم انقلاب اسلامی، امروز گفتمان رایج و غالب است؛ این خیلی اهمیت دارد. من البته این را پیش‌بینی می‌کردم. من شاید حدود هفت سال، هشت سال قبل از این، در جلسه‌ی کارگزاران نظام اسلامی که در همین حسینیه تشکیل شد، دلائلی آوردم بر اینکه دشمنان انقلاب که خیال می‌کنند می‌توانند انقلاب را به فراموشی بسپرنند و قربانی کنند و از رویش عبور کنند، اشتباه می‌کنند؛ گفتم نمی‌توانید؛ می‌دانستیم اشتباه می‌کنند. بحمد الله ملت ایران همت کردند و آنچه که می‌خواستیم، شد. این هم یک فرصت است. پس مسئولیت کنونی شما در یک چنین موقعیتی است که شعارهای انقلاب، اصول اساسی برنامه‌ریزی در این دولت اعلام می‌شود؛ این هم خیلی مهم است. پس مسئولیتها را مغتنم بشمرید.^۱

^۱ بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور ۱۳۸۶/۰۴/۰۹

عقلانیت در عدالت

در باب عدالت، یکی این جهت مورد نظر باشد، یکی هم اینکه در عدالت، هم عقلانیت بایستی مورد توجه باشد، هم معنویت. این را ما قبلاً هم عرض کرده‌ایم. اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت می‌شود یک شعار توخالی. خیلی‌ها حرف عدالت را می‌زنند، اما چون معنویت و آن نگاه معنوی نیست، بیشتر جنبه‌ی سیاسی و شکلی پیدا می‌کند. دوم، عقلانیت. اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود؛ اگر درست در باب عدالت محاسبه نباشد. خیلی از کارها را گاهی بعضی از این گروه‌های تند و افراطی توی این کشور به عنوان عدالت کرده‌اند، که ضد عدالت شده. اتفاقاً حالا همان تندی‌های آن حضرات موجب شده که خود آن‌ها صد و هشتاد درجه گرایش‌هایشان عوض بشود! جور دیگری حرف بزنند، جور دیگری فکر کنند، جور دیگری عمل نکنند. بنابراین در عدالت، عقلانیت شرط اول است^۱؛

^۱ بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۰۶/۱۶

آن کسی که به یک ملتی سلطه دارد، به یک ملتی حکومت دارد، این چنانچه عدالت پرور باشد، دستگاه او عدالت پرور خواهد شد؛ قشرهایی که به او مرتبط هستند قهرا به عدالت گرایش پیدا می کنند؛ تمام اداراتی که تابع آن مملکت است، تابع آن حکومت است، خواه ناخواه به عدالت گرایش پیدا می کند. عدالت گسترده می شود. در صورتی که یک نفر که به مردم حکومت می کند مزگی باشد و تزکیه شده باشد. اگر همه ملت تزکیه بشوند، همین دنیا بهشت آنهاست؛ تمام گرفتاری‌ها از بین می‌رود



📱📺📷📧
@JAHADGARAN